

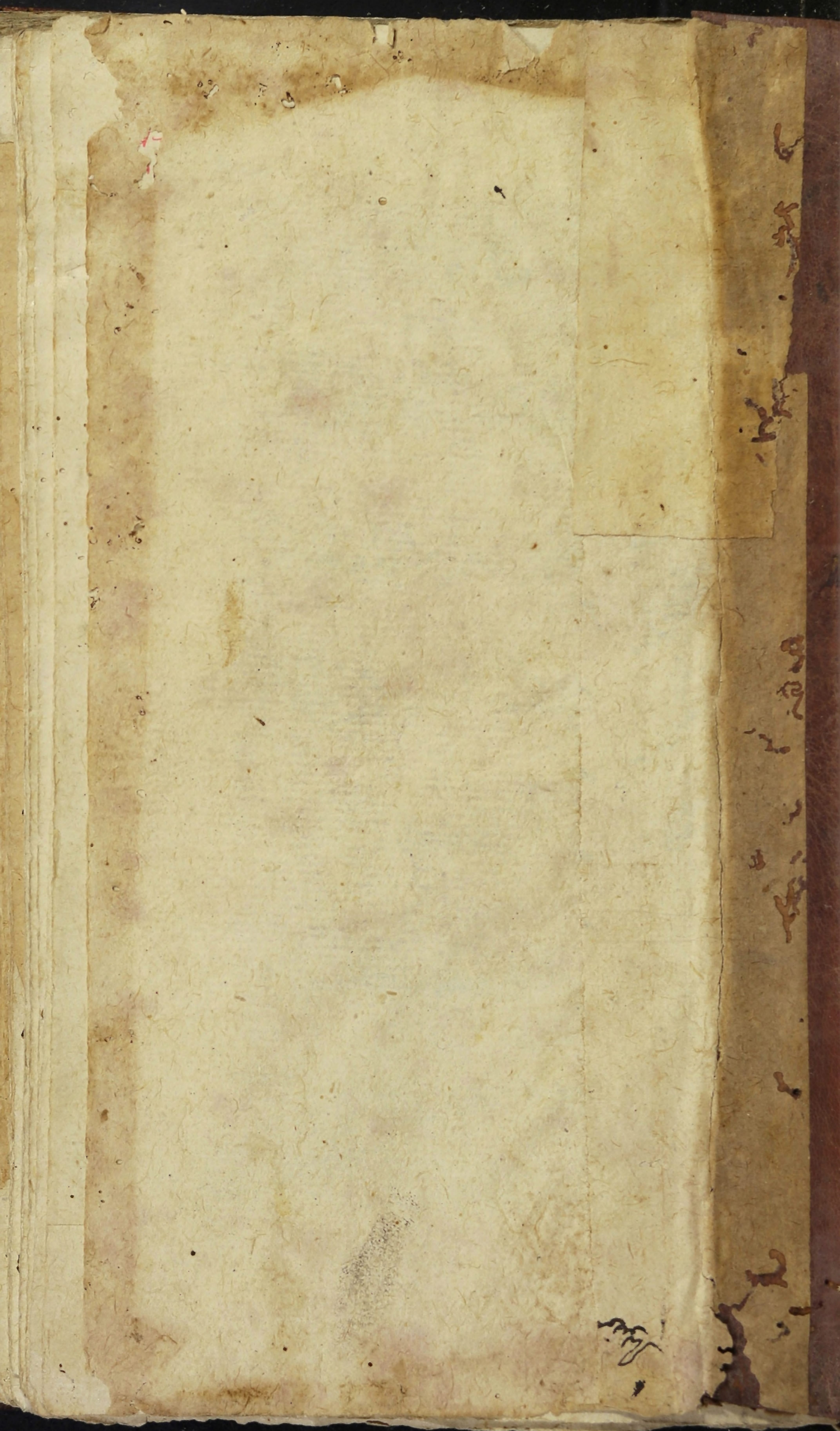
Lucknow,
11/XI/26
W.I.

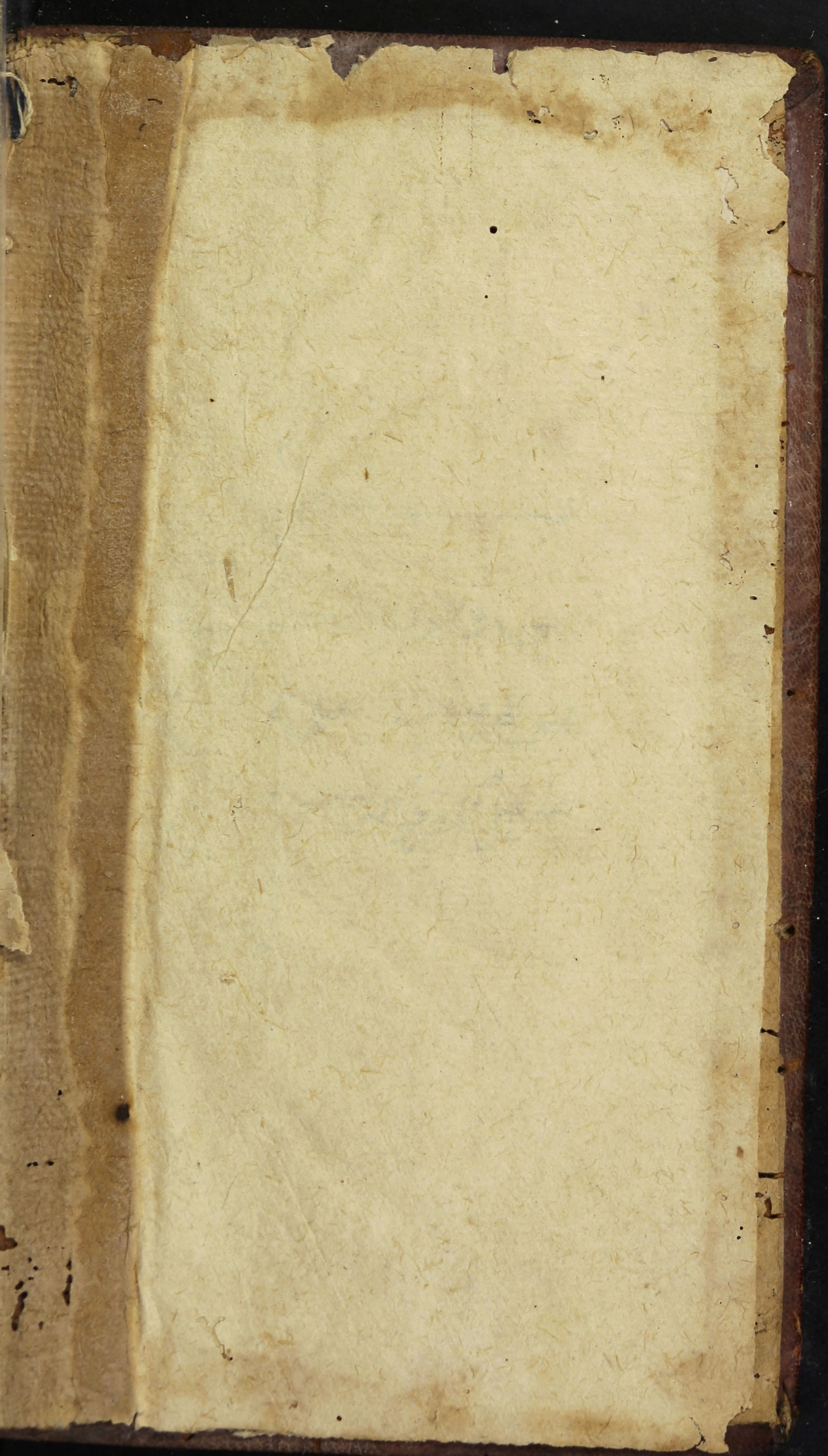
A 30

A30

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم القرآن الحكيم
لهو المرسلين على صراط مستقيم
تتفرق في العرش الرحيم





لَتَنْذِرْ قَوْمًا مَّا أُنْذِرَ آبَاؤَهُمْ
تا هم کنی گروهی را که بیم کرده نشده اند بدان نزدیکی

فَهُمْ غَا فُلُوتَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ
برایشان بیخبران اند بدستی که درست قول خدا

عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
بر بیشتر کافران برایشان نمی شنوند

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْيُنِهِمْ غُلَا
بدستی که ما کردیم در گردنهای ایشان غلبه

فَهِبْ إِلَى الْآذِقَاتِ فَهَمَّ
بس آن علما بیوسته شدند بخدا نهایی ایشان برایشان

مَقْمُورَاتٍ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ
سر در هوا مانده گانند و کردانیدیم ما از پیش

أَيُّ يَوْمٍ سَلَا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًا
روی ایشان دیواری و از پس ایشان دیواری

فَاغْتَسَا كَهْمَ قَهْمٍ بِبَصَرٍ
بیل بیوشیدم چشمهای ایشان بصر ایشان می بینند

وَسَوَّارٌ عَلَيْهِمْ مَّاءٌ زَكِيٌّ كَمَلَمَ
وکیهانست بر ایشان بیهمن ایشان را یا

مَنْزِلُ رَقْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّمَا
بیم بکنی نمیکروند جزین نیست

تَذَرْتُمْ أَتَّبِعَ الذِّكْرَ وَخَفِ
که تو بپیم کنی کسی را که پیروی قرآن کند و بترسد

الرَّحْمَتِ بِالْغَيْبِ قَبْشَرَةٌ
رضنا بیوشیدگی بس مزه ده آن برسد

مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَرِيمٌ إِنَّمَا
بارزیش کما مان ویزد و بزرگی بدستی

خَتَّ خَيِّ الْمَوْتِ وَنَلَّتْ مَا
که ما دنده بکنم مرده کان را بنویسم آنچه

قَدْ مَوَّاهُ أَنْبَارَهُمْ وَكَلَّشِي

پیش فرستاده اند و پی های ایشان را همه چیزها را

أَحْصَيْنَاهُ فِي لِمَامٍ مُّبِينٍ وَ

نگاشته ایم در دفتر که پیشوای روشن است و

أَخْرَجَ لَهُمْ مِثْلَ أَصْحَابِ الْقَرْيَةِ

بیان کن برای اهل مکه مثلی از اهل دیه انطاکیه

إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

وقتی که آمدند بدان دیه فرستادگان چون

أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا

فرستادیم به سوی ایشان دو پیغمبر پس تکذیب کردند

فَعَزَّ زَبَانُ الثَّالِثِ فَقَالَ إِنَّا إِلَهُكُمُ

پس با قوه دادیم و فرستاده پس گفتند بدرستی که ما بسوی شما

مُرْسَلُونَ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتُمُ الْبَشَرُ

فرستاده شدگانیم گفتند پس گفتند ما مکر آدمی

مَثَلْنَا وَمَا أَنْزَلُكَ الْجَهَنُّ مِنْ

ما اندما و نوستاده است هذا هیچ چیز

شَعْرَاتٍ أَنْتُمْ لَا تَكْذِبُونَ

از و حیالت نیستید شما که دروغ گوین در دعوی

قَالُوا رَبَّنَا يَعْظِمُ لَنَا إِلَهُكُمْ مُرْسَلُونَ

گفتند بروردگار ما و انا ترست بدرستی که ما پیروی شما فرستادگان

وَمَا عَلَيْنَا الْإِبْلَاقَ الْهَيْتِ

و نیست بر ما کبر سایندن آشکارا

قَالُوا لَنَا تَطِيرُنَا بِكُمْ كَيْفَ لَمْ

گفتند بدرستی که ما قال بد کرم بامدن شما اگر باز

تَشْتَهُوا لَنْ جَمْعَكُمْ وَلَمْ تُنْمَسْ

نه ایستید از دعوی خود بر اینده شما و بر سر شما

مَنْعَدَابِ الْيَمِّ قَالُوا طَائِرُكُمْ

از ما عذاب البحر گفتند که قال بد شما

بغیران

مَعَكُمْ اِنَّ ذِكْرًا لَّكُمْ
با شماست ایها پند داده می شود

اَنَّمْ قَوْمٌ مَّسْرِفُونَ وَجَاهُ
شما گروهی کزاف کاران و آمد

مَنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَّسْعَى
از دورتر جای از شهر مردی بود که می شتابد

قَالَ يَا قَوْمِ اَتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ
گفت ای قوم من پیروی کنید فرستاده شدگان را

اَتَّبِعُوا امَّنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا
پیروی کنید کسی را که نمی خواهد از شما مزدی

وَهُمْ مُقْتَدِرُونَ وَمَالِي لَكُمْ
وایشان راه یافندگان اند و خست مرا که نمی

أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ
پرستیدم آنکس را که پدید مرا و بسوی او

تَرْجِعُونَ رَاكِبًا مِمَّنْ دُونَهُ

باز گردیده خواهی شد ای فراتریم بخدا

أَلَمْ يَأْتِ بِرُذَاتِ الْجَمِّ بَصْرًا

خدایان دیگر اگر خواه خدا بگزندی

نَعْتِ عَيْ شَفَا عَنْهُمْ شَيْئًا وَلَا

کفایت نکند از من درخواستی بدان چهره ما را

يُنْقِذُ فِرًّا إِلَى الْفُضَالِ

و نجات دهد مرا بدستی که من افساسم در گمراهی

مِمَّنْ آمَنَّا بِرَبِّكُمْ

اشکای را بشنوم بدستی که گردیدیم منه با فوید کار شما

فَأَسْمَعُونَ أَقْبَلَ دَخَلَ الْجَنَّةِ

پس بشنوا ایند ایمان مرا گفتند در آئی در بهشت ای جبار

قَالَ يَا لَيْتَ قُوِي يَعْمُورَت

گفت کاشکی قوت من دانا شوند

يَا غَفَّارُ رَّبِّي وَجَعَلَنِي

یا بخیر بیاوردید مرا بر درندگان و کرد ایند ترا

مِنَ الْمُكْرَمِينَ وَمَا أَتَرْنَا

از خواستگان و نخواستاریم

عَلَى قَوْمِهِ مِن بَعْدِهِ مِن

بر قوم حیب پس از قتل یا رفع او هیچ

جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا

شکر از آسمان و نیستیم

مُنْزِلِينَ ^{۴۰} اِنْ كُنَّا نَاصِحَةً

ز فرستنده بود عفویت مگر زیاد

وَإِلَعَدَّةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ

یک پس آبی ایشان ز در دکان بودند

يَا خَرَّةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ

ای دروغا بر بندگان نیاید بدیشان

مَنْ رَسُولٍ لِّمَا كَانُوا بِهِ

هیچ پیغمبری
میکردند
باور

يَسْتَهْزِئُونَ بِالْمُرِثَةِ

استهزا میکردند
ایماندیده مذکر جنس

أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مَّتَّ الْقُرُونِ

هلاک کردیم ما پیش از ایشان
از اهل دورکاران

أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

گنهایشان بسوی ایشان
باز نمیکردند

وَأَنْكَلُ مَا جِئَ لَدُنَّا

وینستند همه ایشان
مگر به جمع شده نزدیک ما

مُخْضَرُونَ وَأَيُّهُمْ لَمَّا نَضَ

حاضر شدگان
و نشان مرگافران را زمین

الْمِيتَةِ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا

مردده است
زنده کرده ایم آنرا
و بیرون آوردیم

7
مِنْهَا حَيًّا وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

از وی در آن پس از آن دلها میخورند

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّمَّتْ

و آنرا دیدیم در زمین بوستانهای از

خَيْبٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرٍ نَّافِثَا

فرمانیان و تاک بنان و روزن کردیم در آن

مِمَّتِ الْعُيُوتِ لِيَأْكُلُوا

از حشرات برای تا بخورند

مِمَّتِ زُفْرَةٍ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ

از میوه آنچه بدوشت و آنچه کرده است دستهای ایشان

أَفَلَا يَشْكُرُونَ

ایا شکر نمیکنند

الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا

آنکه بقدرت کامله بیاورد و بفرستاد همه آن

مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِثَاقِهِمْ
از آنچه میرویانند زمین و از نفسهای ایشان

وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ وَآيَةٌ
از آنچه نمی دانند و علامت دیگر

لَهُمُ اللَّيْلُ نَسَاجٌ مِنْهُ النَّهَارُ
برایشان شب است دوریکنم از روز

فَإِذَا هُمْ مُظْمَوُونَ
بنانها می آید گانند تباری و

الشَّمْسُ خَرِي مُسْتَقَرَّ لَهَا
آفتاب می رود بقرارگاه او است

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
آن رفتن او تقدیر خداوندی است غالب

الْعَلِيمِ وَالْقَرَقَدُ نَاءُ
دان و ماه را مقرر کردیم او را

مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَكَ الْعُرْحُونَ

منزلهای او تا وقتی که گردد مانند جوی خشک یکسانه آن

الْقَدِيمِ لَا السَّمْسُ يَنْبَغِي

فرمایان که خورشید نباشد نه آفتاب سزد

لَهَا أَنْ تَذِيرَكَ الْقَمَرُ وَلَا

مروا آنکه در یابد ماه را و نه

اللَّيْلِ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلُّ

شب پیشی که برنده است بروز و همه کوکب

فِي فَلَكٍ يَسْحَوْنَ وَأَيُّ

در فلک گشت میروند و نشانه دیگر

لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي

مراشان را انت که ما برداشتم بذر آن ایشان را در

الْفَلَكَ الْمَشْحُونِ وَخَلَقْنَا

پر از مردم و بیافریدیم

لَقَدْ مَاتَ قَبْلَهُ مَا يَرْتَوُونَ

برای مردن مانند کشتی ایمنه سواری میکنند

وَلَا تَشَاءُ نَعْرُقَهُمْ فَلَاحَ

و اگر خواهیم که غرق سازیم اهل کشتی را پس هیچ

صَرَخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَنْقُذُونَ

فریاد در سبیت مرگشان را و نه ایشان را کرده شوند

الْأَرْحَمَ مِمَّا وَمِمَّا عَاءَ

مگر آنکه بخشم از ما و بر خود داری دایم ایشان را

إِلَى حَيْثُ وَأَذَا قَتْلَهُمْ

تا وقتی که اجل ایشان برسد و آزار کشتن خود مرا داند

أَتَقُوا مَا بَيَّتَ آيِدِيكُمْ

که بترسید از عذابی که بیش تنم

وَمَا خَلَفَكُمْ لَعَلَّكُمْ

در عذابی که در عقب شماست و شاید که بر شما

تَرْجُوتُ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ
بَيْتٍ

وینا بدین

آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا
آيَتِي

از آیه های پروردگار ایشان مگر

كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ وَ
بودند از آن روی گردانندگان و

إِذَا قِيلَ لَهُمُ انْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ
چون گویند ایشان را نفقه کنید از آنچه روزی داده است

اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
شمار خدا گویند زنا کنندگان

لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمَهُمْ
مرا بهارا که کرده اند بیاوریم

لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأَطَعَتِ أَنْتُمْ
خیر استی خدا طعام دادن او را نیستید شما

الْمُفِضَاتِ ضَلَالٍ مُّبِينٍ وَ

مگر در گمراهی آشکارا و

يَقُولُونَ مَتَى هَٰذَا الْوَعْدُ

گویند کی باشد این وعده

انْكُمْ صَادِقِينَ مَا

اگر هستید راست گویان

نُظِرُوا لِأَخِيَّتِهِ وَاحِدَةً

انتظار رعی برند ایشان مگر یک و یک

تَأْخُذُ بِهِمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

گمگیرند ایشان را در آنوقت که بحصومت مشغول باشند

قَالَ سَتَطِيعُونَ تَوْصِيَةَ

پس نتوانند وصیت کردن بر

وَأَهْلِيَّ أُولَٰئِكَ يَرْجِعُونَ

و نه بسوی اهل ایشان که غایبند باز گردند

ع

وَنَفَخَ فِي الصُّورِ قَازِ اَهُم

و دمیله شود در صور بس انگاه ایشان

مَتَّ الْأَحْدَاثُ إِلَى رَبِّهِمْ

از کور تا بیرون آمد بسوی برادر دگارش خود

يَسْأَلُونَ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَتَّ

میشتا بند کویندوای بر ما که

و نشتند

بَعَثْنَا مَتَّ مَرْقَدَنَا هَذَا

برائینست ما را مرقد ما ملایکه حورند اینست

مَا وَعَدَ الرَّحْمَتُ وَصَدَقَ

آنچه وعده کرده بود و صداقت گفتند

الْمُرْسَلُونَ أَنْزَلْنَاهُ لَكَ

بیجا میران بنمود این وقت مگر

صَحَّةً وَاحِدَةً قَازِ اَهُم

یک تنه که نفخه اخیره است بس انگاه ایشان

جَمِيعَ دُنْيَانَا فُخْرُونَ

همه ایشان نزدیکان حاضر شدگان هستند

فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

بس امروز کسی ستم نشده نشود هیچ نفسی چیزی را

وَلَا تُجْزَوْنَ أَلْمَافَكُمْ

و باداش داده نشوید مگر آنچه بر شما بوده

تَعْمَلُونَ إِنَّ أَصْحَابَ

که بکردید بدستگاه صاحب

الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَا

بهشت امروز درکاری هستند

كُهُوتَ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ

شادان و زنان ایشان و زنان ایشان

فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَارِكِ مُتَكُونَ

در سایهها بر تختها را نشسته تکیه زدگان هستند

لَمْ يَنْفَعَا فَاَكْهَتْ وَ لَقُمْنَا
مَرَاتِنَ رَا دَرْبِشْت مَيُوَه

یَدْعُوْنَ سَلَامٌ قَوْلًا هُنَّ
خواهند تختی خطابی بیوسند از

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَامْتَازُوا
 بزرگواران و جدا شوید

الْيَوْمَ آيَها الْمُحَرَّمُوت
امروز ای مشرکان از نوحدان

آلَمَ اَعْقَدَ الْكُمَ يَا بَنِي
ایا عهد نموده ام یا شما ای فرزندان

آدم أت كما تعبد والشيطان
ردم الله نبير سيد شيطان را

اِنَّهٗ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ وَّاَنْ

اعْدُوْكَ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ

برسیدم آنکه من دوست شما ام اینست راهی راست

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا

و بدستی که گمراه کرد شیطان از شما خلق

كَثِيْرًا اَفَلَمْ تَكُوْنُوْا تَعْقِلُوْنَ

سیارا ای نیستید شما که تعقل کنید

هٰذَا جَهَنَّمُ الَّتِيْ كُنْتُمْ

این دوزخ است آن دوزخی که در دنیا بودید

تَوْعَدُوْنَ اَصْلَوْهَا الْيَوْمَ

که وعده کرده شدید در آید امروز

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُوْنَ اَلْيَوْمَ

نیست آنکه بودید نه می پوشیدید حق را امروز

خَتَمْنَا عَلٰۤى اَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا

هر شهم دهانهای ایشان را و سخن گویند ما

أَيُّ يَوْمٍ وَتَشْهَدُ أَرْحَلُهُمَا

دستهای ایشان و گواهی دهند بایه های ایشان

كَانُوا يَكْسِرُونَ وَلَوْ

بودند که در دنیا یکسب میکردند و اگر

نَشَأَ لَحْمَنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ

خواهم در دنیا بر آینه های دیدار کنیم بر چشمهای ایشان

فَأَسْتَبِقُوا الصِّرَاطَ فَإِنِّي

بس پیشی گیرم راهی را بس چگونه بیند

يُصِرُّونَ وَلَوْ نَشَأَ لَمُخَنَّم

انرا و اگر خواهم منخ کنم ایشان را

عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَإِنِّي سَطَاعُوا

بر جایه های ایشان تا آنها را خورده شوند بس بتوانند

مُضَيَّاءٌ وَلَا يَرْجِعُونَ وَمَتَى

برفتن از پیش و نتوانند بازگشتن و هرگاه

نَحْمُرُكَ نَكْنَسُهُ فِي الْخَلْقِ ط

عمر دراز دایم بر کرد ایتم اورا در آفرینش

أَفَلَا يُعْقِلُونَ وَمَا عَلَّمْنَا

ایا در نمی یابند و نیاموختیم ما محمد را

الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ط إِنَّهُوَ

شعر و نشاید بر او را شعر گفتن نیست او

لَمَّا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ مُبِينٍ

مگر هندی مکر کتابی روشن

لَيُنْذِرَ مَن كَاتِبًا وَ

تا بیم کند قرآن یا محمد اگر باشد بنده و

تَلَقَّى الْقَوْلَ عَلَى الْكَافِرِينَ

و واجب می شود کلمه عذاب بر ناکر ویدگان

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا

ایمانش چنانچه انرا که ما آفریده ایم برای ایشان از آنچه

عَمِلَتْ آيَاتِنَا أَنْعَامًا فَهُمْ
کرده ایم بی واسطه مشارکت چهار پایان برایشان

لَهُمَا مَا لَكُوتٌ وَذَلَّلْنَاهَا
مر آنرا ضبط کنندگان اند و نرم کردیم انعام از برای

لَهُمْ فِيهَا رُكُوبٌ لَهُمْ وَمِنْهَا
ایشان پس بعضی از ایشان سوار بر کنند و بعضی آنست بر ایشان

يَاْكُلُونَ وَكَمْ فِيهَا مَنَافِعُ
که می خورند و در ایشان راست در آن چهار پایان سود

وَمَشَارِبٌ طَافِلًا يَشْكُرُونَ
و اشامیدنی ایها شکر میگویند

وَإِذْ أَخَذَ وَامِتٌ دُونَ اللَّهِ
و فرا گرفتند بجز خدا

أَلَهُمْ أَنْصَرُونَ
و خدا باین تاشید ایشان یاری کرده شوند

يَسْتَطِيعُونَ خَضِرَ هَمٍّ
توانند
پار پی دادن ایشان

وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُخَضَّرُونَ
وایشان
مربیان را سبای ایشان حاکم کرده شده
یعنی بت برستان

فَلَا تَحْزَنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا
بس باید که اندوه ناک میزد اندر
سخن ایشان

نَعْمَ مَا يَبْرِؤُنَّ وَمَا
که ما میبرائیم آنچه برهان میکنند و آنچه

يُعْلِنُونَ **أَوَلَمْ يَرَوْا**
اشکار را میکنند
ایا ندیدند

سُنَاتٍ إِنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ نَاطِقَةٍ
ای
آنها را آفریدیم او را از نطقه

فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ
پس آنگاه او حیدان کننده است موبدا

الکاه

۱۲ **صَرَبَ لَنَا مِثْلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ**

بزد برای ما مثلی و فراموشش نزد افریدن ما
اورا

قَالَ مَتَّ تَحِيَّ الْعِظَامِ

گفت کبیت که زنده کند استخوانها را

وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ تَحْيِيهَا

و او بوشیده و تپاه کشته بود کیو زنده کرد اندا و را

الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ

کسی که بیافرید او نخست بار و

هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

او به همه آفریدنا داناست

الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ

اخذ ایما که بید کرد برای شما از درخت

الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ

سبز آتشی پس ایما شما از آن درخت

الذین یوقدون أولیئ الذین یخافون

می افروزید ای نیست آن کسی که بیا فرید

السموات والأرض بقادر

آسمانها وزمین را توانا

علی ان یخلق منکم طبای

بیا فرید مانند ایشان آن کسی که در میان

وهو الخلاق العظیم

و اوست آفریننده بسیار خلق دانا

امر إذا اراد شیئاً ان

سرشان او چون بخواهد آفرین چیزی

یقول له ان یموت فسمی

که گوید درو آن حکم من باشد پس بیا شد پس بپای

الذین یدعون ملکوت کلش

آن کسی است که بدست افتد از اوست یا اوست می همه چیز

وَاللّٰهُ تَرْجَعُونَ **سورة**
و نبوتی او باز گردیده خواهید شد

اَنَا فَتَحْنَا مَكَّةَ وَهِيَ ثَمَانٌ وَثَلَاثُونَ آيَةً

بِسْمِ **اللّٰهِ** الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
بسم خدا مهربان بخشنده

اَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِیْنًا
مدرستی که ما حکم کردیم بر ای تو حکمی بیدار

لِيُخَفِّرَ لَكَ **اللّٰهُ** مَا تَقَدَّمَ مِنْ
تا بیاورد مر ترا خدا آنچه گذشته است از آنچه

ذُنُوبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَبِیْمَةٍ
موجب عتاب تواند بود و آنچه مانده است و بپایمانی که کردند

نِعْمَتِهِ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ كُلِّ صِرَاطٍ
نعمت خود را بر تو و بر تمامی راه

۱۵
وَاللّٰهُ تَرْجَعُونَ
و نبوتی او باز گردیده خواهید شد
فَاتَعْلَمُونَ
آیا می دانید
بَارِئٌ عَمَّا يُشْرِكُونَ
دور از آنچه شرک می کنند

مُسْتَقِيمًا وَيُصْرِكُ ^{الله} نَصْرًا
راست و یاری کند خدا یاری کردن

عَزِيزًا • هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ
غالب اوست آنکه فرو فرستاد آرامش

فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزِيدُوا
در دلهای سرودین تا زیادت کنند

إِيمَانًا تَامَعًا مِمَّا نَهَمُوا ^ط وَ ^{لله}
سرودینی با سرودیدگان ایشان و مر خدا راست

حُجُودَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ^ط وَ
شکرها آسمان و زمین

كَانَ ^{الله} عِلْمًا حَكِيمًا • لِيَدْخُلَ
هست خدا دانا صواب کار تا در آرد

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ حَبْلَتِ
مردان مومن و زنان مومنه را بنویسند آنها

تَجَرَّبَ مِتَّ تَحْتَهَا الْأَمَّا زَرْه

میرود انور بر منازل آنها جویها

خَالِدٌ فِيهَا وَيَكْفُرُ عَنْهُمْ

جاویدان در آن و پیوسته از ایشان

سَيَاتِهِمْ وَكَاتَ ذَلِكَ عِنْدَ

میدان ایشان و هست این وعده نزدیک

اللَّهُ فَوْزًا عَظِيمًا وَيُعَذِّبُ

خدا رستگاری بزرگ و تا عذاب کند

الْمُتَافِقِينَ وَالْمُتَافِقَاتِ وَ

مردان منافق و زنان منافقه را

الْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ

مردان مشرک و زنان مشرکه که گمان برندگان

بِاللَّهِ ظَنُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ

بخدا گمان بد برین گمان برندگانست گردش بد

وَعَصَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَ

و خشم گرفت خدا بر ایشان و بر انداختن را و

أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ط وَسَارَتْ مَصِيرًا

آماده کرد برای ایشان دوزخ و بد باری گشتی است دوزخ

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

و مر خدا را است لشکر آسمان و زمین

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

و هست خدا غالب حکم کننده

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ شَاهِدًا وَ

بدستی که ما فرستادیم ترا کواه و

مَبَشِّرًا وَقَدْ يَرَى الْقَوْمُ مَوَابَا لِلَّهِ وَ

مژده دهنده و بیم کننده برای آنست که خدایکند و مر خدا را

رَسُولُهُ وَتَعَزَّزُوا وَتَوَقَّروا

و فرستاده او را و تقوی و هیدرین او را و بزرگ دارید حکم

وَتَسْحَوْهُ رُكْرَةً وَأَصْلًا ^{۱۶} ^{بدرستی}
وہیابی باید کشید اورا ^{بامداد و شبانگاہ}

الذَّيْتِ يَمْلِكُوْنَكَ اِمَّا يَبْلُغُوْنَ
بیعت کردند با تو جزین نیست کہ بیعت ^{انک}

ط ^ط اِلَّا ^ط فَوْقَ اَيْنِ هَمْزٍ مَّتْ
اللہ ^{با خدا} دنت خدا ز بر ^{دستها ایشانست پس کہ}

نَكَتٍ فَاَمَّا يَنْكَتُ عَلَى نَفْسِهِ
نکند عہد را پس جزین نیست کہ بشکند بر نفس خود ^ط

وَمَّتْ اَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ ^ط اِلَّا
وہ کہ وفا کند ^{بآنچه عہد کردہ است} بآن خدا

فَسَيُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ^ع سَيَقُولُ
پس زود بدہد مرا اورا خدا مزدی بزرگ ^{زود باشد کہ بگویند}

لَكَ الْمُخْلَفُونَ مَتَّ لِمِ اَعْرَابٍ
مرتا باز پس ماندگان از بادیه ^{نشینان}

شَغَلْتَنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلَانَا فَاسْتَغْفِرْ

مشغول کرد ما را مایه ما و زنان ما پس طلب آمرزش کن

لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَّالٍ لَّنَا

برای ما میگویند بزیباها خود نیست

فِي قُلُوبِهِمْ قُلُوبٌ مَّتَّيْمَةٌ

در دلهای ایشان سنجیده است که مالک شود

لَكُمْ مِمَّا آتَاكُمُ اللَّهُ شَيْءًا ارَادَ بِكُمْ

برای شما از حکم خدا چیزی را اگر خواهد بشما

خَرًا أَوْ ارَادَ بِكُمْ تَفْعَالًا

فهری یا خواهد بشما سودی بیک است

بِمَا تَعْمَلُونَ خَيْرًا

خدا با آنچه میکنید دانا بیک

خَطْنَمَ آتَاكَ لَنْ يَنْقُصَ الرُّسُولُ

کمان بردند بیکند باز نبرد پیغمبر

وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا
و مومنان بسوی زنان خود هرگز

وَزَيَّتَ ذَاكَ فِي قُلُوبِكُمْ
داراسته شد این گمان در دلبای ایشان

و ظَنَّمْ ظَلَّتِ السُّورُ وَ كُنْتُمْ
و گمان بردید گمان بد و گشتید شما

فَوَمَا يَوْرًا وَمَتَّ لَمْ يَوْمُهُ
کردی میان شد گمان و هر که نکرد

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ قَانَا أَعْتَدْنَا لَكَ
بخدا و رسول او نینما اوده ساخته ایم برای

فَرِيتَ سَبْعَ عَرَا: وَ لِلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ
کازان آتشی از فوخه و مرقد راست بادشاهی آسمانی

وَالْأَرْضُ يُغْفِرُ مَلِكُ لَشَارِو
و زمین بیامرز دگناه بزرگ هر که خواهد و

يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ

عذاب میکند هر که را می خواهد و هست خدا

عَفُورًا رَحِيمًا سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ

آمرزنده مهربان زود باشند که بگویند باز پس ماندگان

إِذَا أَنْطَلَقْتُمْ إِلَى مَعَاظِمِ الْأَرْضِ

انگاه که بروید بسوی غنیتمنها تا فراتر اندازد

ذُرُوفًا تَتَّبِعُكُمْ يَرْيَدُونَ

که بگذارید ما را تا پیروی کنم شمارا درین سفر میخواهند مخفیان

أَنْتُمْ يَدَّ الْأَكْلامِ اللَّهُ قُلْ

آنکه تغییر دهند سخن خدا بگو

لَنْ تَتَّبِعُوا كُذَّابًا قُلْ

بیروی نخواهید کرد ما را با دروغ گفتن گفته است

لَهُمْ قُلْ قُلْ قُلْ قُلْ قُلْ قُلْ قُلْ قُلْ

خدا بگو بگو بگو بگو بگو بگو بگو بگو بگو

خند و نوا

تَحْسَدُونَكَ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ

حسدی بریندی را بکن هستند که در نمی یابند

لَا قَلِيلَ لِمَ خَلَفَتْ مَت

کم اندک چیزی بگو مرین پس ماندگان را از

لَا عَرَابٍ سُدَّ عَوْتَ إِلَى قَوْمٍ

اهل یابویه زد باشد که خوانده شوید عربی

أَوَّلُ بَاسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ

خداوندان کارزار سخت کار را کنید ایشان

أَوْ يَسْلَمُونَ فَإِنَّ تَطِيعُوا أَوْ

یا مسلمان شوند پس اگر فرمان برید کسی را که خوانده تا

تُكْمِ اللَّهِ أَجْرًا حَسَنًا وَأَنْتُمْ تَوَلَّوْا

بد شما را خدا مزدی نیکو و اگر روی بگردانید

كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مَتَّ قَبْلَ بَعْدَ نَكَمٍ

همنان که اعراض کردید پیش ازین عذاب خدا شما را

عَذَابًا أَلِيمًا • كَيْسٌ عَلَى الْأَعْمَى
عذابى دردناک نیست بر نابینا

حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْدَى حَرَجٌ
کنایه دهنه بر کینه و با کینه

وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَ
دهنه بر بیمار تنگى

مَنْ يَطْعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلْهُ
هر که خرد خدا را و رسول او را در آید او را

جَنَاتٍ خَيْرٌ مِنْ مَتِّ خُتَمِهَا
بستنه هاى بهتر مى رود از زير پى مهر آن

الْمَخَارِقُ وَمَنْ يَقُولُ يُعَذِّبُهُ
و هر که اموالش بکند از فرمان عذاب کند او را جویها

عَذَابًا أَلِيمًا • لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ
عذابى دردناک تحقيق خوشنودى خدا

عَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يَبَايَعُونَكَ

از کردیدگان چون بیعت کردند با تو

لَحَّتْ الشَّجَرَةُ فَعَلِمَ مَا فِي

در زیر درخت سمره پس میداند آنچه در

قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ

دهان ایشان است پس فرو فرستاد آرامش

عَلَيْهِمْ وَأَنَا بِهِمْ فَتَا قَرِيبًا

بر ایشان و بادا بشود ایشان را فتی نزدیک

وَمَعَاظِمُ كَثِيرَةً يَأْخُذُ وَعَظْمًا

و غنیمت های بسیار فرا گیرد آنرا

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

و هست خدا غلبه حکم کننده

عَدَدُكُمْ اللَّهُ مَعَاظِمُ كَثِيرَةً يَأْخُذُ

و عده داده است شما را خدا غنیمت های بسیار فرا گیرد آنرا تا قیامت

فَعَلَّامٌ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِي

بن بخیل نقد داد هر شمارا این غنیمت و باز دست و شمشیرها

النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً

مردمان از شما و تا باشند آن غنیمت نشانه

لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَعِدْ بِكُمْ صِرَاطًا

مؤمنان را و بنماید شمارا راه

مُسْتَقِيمًا ۖ وَآخِرِي لَمْ تَقْدِرُوا

راست و عده دیگر که قادر نشده اید

عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ

بر آن بدستی که احاطه کرده است علم خدا بآن و است

اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۖ وَلَوْ

خدا بر همه چیز توانا و اگر

قَاتَلَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ

قتل کردند شما را باشند آنکه کفر و بدند برای این که بکشند

۲۱
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ لَمْ يَجِدْ قَوْمًا
بشتهای پس نیافتند کارسازان و نه

لَا يَصِيرُ إِلَّا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ
یاری سنت نهادند است نهادنی که گذشته

مَنْ قَبْلُ وَلَكِنْ جَدَّ لِسُنَّةِ اللَّهِ
بیش ازین و نیایی تو مرست خدا را

تَبْدِيلًا وَهُوَ اللَّهُ لَفَّ آيَاتُكُمْ
تبدیلی و اوست انخدای که بازداشت دستهای ایشان

عَنْكُمْ وَأَيَّدَكُمْ عَنْهُمْ
روشنما و دستهای شما از ایشان

بَطَلَتْ مَكَّةَ مِنْ لَعْدِ آتٍ
در وادی مکّه پس از آنکه

أَخْلَفَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ بِمَا
تلفرد و شمارا برایشان و بهست خدا بآنکه

تَعْمَلُونَ بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ

میکنید بینا ایشان مانند

كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ

کافر شدند و بازداشتند شما را از مسجد

الْحَرَامِ وَالْمَذَكِّ مَعْلُوفَاتٌ

حرام و منع کردند بی را در حالت که بازداشت

يَبْلُغُ حِلَّهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُؤْمِنُونَ

از آنکه برسد بجای او و اگر نبودندی مردان کردیده

وَيْسَارُ الْمُؤْمِنَاتُ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ

وزمان کردیده ندانسته اید ایشان را

أَنْ تَقُولَ هُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ

که شما ایشان را در ایشان بگویند پس میرسد از جهت بدی ایشان

مَعْرَةً بَعْدَ عِلْمٍ لِيُحِلَّ اللَّهُ

مردی بدانش که خدا

ف

فِي رَحْمَتِهِ مَتَّ يَتَنَاطَلُوا

در بخشش خود هر که را خواهد هر اگر جدا شدند

لَعَذَابُنا الَّذِي كَفَرُوا مِنْهُمْ

بر آینه عذاب میگردیم آنانرا که کار شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا اذْجَعَلَ الَّذِينَ

عذابی دردناک یادکن ای محمد چون کردند و آوردند آنکه

كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حِمَّةً

سپردیدند در دلهای ایشان تعصب و بزرگواری

لِالْحَا مِلَّةٍ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ

جانبیت پس فرستاد خدا آرام و آسودگی را

عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ

بر رسول او و بر سروریدگان و ثابت داشت

خدا مؤمنان را

كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ

بیکلمه تقوی و مستحق تر بودند

بِهَا وَأَقْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ
بدان و اهل آن هست خدا به همه

شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ
بجزای دانا هر آینه راست کرد خدا برای رسوله خدا

الرُّقُبَا بِالْحَقِّ لَنَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ
الخواب را بر راستی هر آینه در آید شما بمسجد

الْحَرَامِ أَشْتَرُ اللَّهُ أَضْيَبُ مَخْلُوقَاتِ
حرام اگر خواهی خدا در محلی که این باشد ترا شترکان

رُؤُسِكُمْ وَمَقْصُرِنْتَ لَا تَخَنَا
سر، خود را و چینه گان موها را

فَوَيْتَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَفَعَلَ
نفر رسید پس بداند خدا آنچه شما ندانید پس ساخت برای شما

مِنْ دُؤُوتٍ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا
میش از زمین فتحی نزدیک

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِأُمِّهِ

اوست آنکه ای که فرستاده رسوا خود را برای رای نمودن

وَدَيْتَ الْحَقَّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

و دین درست تا غالب گرداند آن دین را

كُلَّهُ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

بر همه دینها و بسنده است خدا گواه بر نیوه تو

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

محمد رسول خداست و آنانکه با او می‌اند

أَشْدَّ عَلَى الْكَفَّارِ زُحْرًا بَيْنَهُمْ

سخت دل‌اند بر کفار و در میان یکدیگر

تَرِيَهُمْ رُكْعًا سَجِدًا يَتَنَفَّسُونَ

می بینی ایشان را رکوع دارند سجده کنند و این بزرگان

فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا شَمَاهُمْ

فضله از خدا و عشقش بر ایشان

فِي وَجْهِهِمْ مِثْرَ السَّجْدِ
در رویهای ایشان از اثر سجده کردن

مِثْرَ السَّجْدِ مِثْلُكَ مِثْلَهُمْ فِي
این وصف مذکور صفت ایشانست در

التَّوْرَةِ وَمِثْلَهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ
توریه و صفت ایشانست در انجیل

كَذَرُوا أَخْرَجَ شَطَاةً فَازَرَهُ فَ
مانند گشتی است بیرون آوردن شایسته خود را پس قوی کردند

سَخَطَ فَاغْتَوَى عَلَى سَوْفِهِ
بسی سطر نشود پس بایستد بر ساقهای خود

يَعْبُ الزَّرْعَ لِيَغْضَبَهُمُ الْكُفَّارُ
بشکفت آرد مزارع را تا خشمگیرند بپایان پیغمبر کافران

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
و وعده کرد خدا انانرا که گرویده اند و کرده اند

الصالحات

الصَّالِحَاتِ مِنْكُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

کارها ستوده از ایشان امرزش گناه و مزدی

سورة الرحمن ثمان وسبعون آية عظيما

بزرگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا بهرمان بخشنده

الرَّحْمَتِ عِلْمَ الْقُرْآنِ خَلَقَ

خداوند بسیار بخشایش بیاموخت و آن مر حسیب خود را بسیار فرید

لِلنَّاسِ عِلْمَهُ الْبَيِّنَاتِ

آدمی را بیاموخت ایشان را روشن کردن

الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ خُسْبَاتِ وَالنَّجْمِ

آفتاب و ماه میروند بحساب معلوم و کیمیا که سیراق

وَالشَّجَرِ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءِ

و گیاهها باعناق زمان در بند خدا را و آسمان را

رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ
برداشت رحمان و بیاورد میزان را

أَنْ لَا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ
برای آنکه از حد درگذرید در میزان وی

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ
و بای دارید سنجیدن را بعدل

وَلَا تَخْسِرُوا الْمِيزَانَ
و کم مکنید میزان را

وَوَضَعَهَا لِلْأَنَامِ
و بگستر ایند برای آدمیان در زمین انواع میوه است

وَالنَّخْلَ دَاتٍ
و خرما بنان خداوند غلاف

وَالْحَبَّ ذُو الْعَصْفِ
و در حبیب دانه است خداوند بزرگ و در کتان

فَيَا أَيُّهَا الرِّكْمَا تَكْذِبَانِ
 پس بگیدم از نعمتهای رب خود تکذیب میکنید ای آدمیان و پریان

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ
 بیافرید آدم را
 رد کل خشتک

كَالْفَخَّارِ وَخَلَقَ الْجَانَّ
 مانند سفال
 و بیافرید جان را

مِنْ مَّاءٍ مَّارٍ مِنْ نَارٍ فَيَا
 از زبانه صافی که دود
 از آتش پس بگیدم

الرِّكْمَا تَكْذِبَانِ رَبِّ
 از نعمتهای خداوند خود دروغ میگویند
 از پیکار

الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ
 دو مشرق و از پیکار
 دو مغرب

فَيَا أَيُّهَا الرِّكْمَا تَكْذِبَانِ
 پس بگیدم از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

مَنْ جَ الْخَرِيْتِ يَلْتَقِيَاتِ بَيْنَهُمَا
راه داد و در بارا تا یکدیگر میرسند میان هر دو

بَرْزَخٍ لَا يَبْغِيَانِ قَبَاكَ
پرده است فزون نمی خواهند بر یکدیگر پس بکدام

أَلَا رَأَيْتَ تَكْذِبَاتِ تَخْرُجُ
از نغمه ها خداوند خود دروغ می ورزید بیرون می آید

مِنْهَا أَلْوَلُوْا وَالْمَرْحَاتِ
از بین دو دریا مرد در یک کمان و مردارید ریزه

فَبَايَ أَلَا رَكَّ كَمَا تَكُنْ بَاتِ
پس یکدیگم از نغمه ها رب خود دروغ میدارید

وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ
و خدا را است شتیا نو برفش آورده در دریا

كَلَامٍ قَبَاكَ أَلَا رَأَيْتَ
مانند کوه های پس بکدام از نغمه ها خداوند خود

تکذبان

۲۶
ع
تَكْذِبُ بَابٍ كَلِمَتٌ عَلَيْهِمَا قَانِ
تکذیب میکنند هر کس که بر سر زمین است رزق دوی ارمی مالک

وَيَنْهَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْحُدَالِ
باقی ماند ذات بروردگار تو خداوند بزرگی

وَالْأَكْرَامِ قَبَائِلُ الْمَرْيَمَا
وگرای بی بگدام از نعمتهای رب خود را

تُكْذِبُ بَابٍ يَسْأَلُهُ مَتَّ فِي
تکذیب میکنند میخواهند او را هر که در

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ
آسمان است و در زمین هر که وقت او

هُوَ فِي شَأْنٍ قَبَائِلُ الْمَرْيَمَا
در ختن کاری است بی بگدام از نعمتهای

رَبِّمَا تَكْذِبُ بَابٍ سَتَفْرَعُ لَكُمْ
بروردگار خود دروغ میگویند زود به حساب کشم شما

أَيُّهَا الثَّقَلَيْنِ يَا أَيُّهَا

ای دو گروه بزرگ ای سید آدم از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكْذِبَانِ يَا مَعْشَرَ

پروردگار خود دروغ می‌ورزید ای گروه

الْحَيِّ وَالْأَيْشِ أَنْ تَطْعَمَ

پریان و آدمیان اگر نتوانید

أَنْ تَنْقُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ

آنکه بیرون روید از کنارهای آسمانهای

وَالْأَرْضِ فَانْقُذُوا مَا تَنْقُذُونَ

و زمین پس بیرون روید بیرون نتوانید

لَا يَسْلُطَانِ فَيَا أَيُّهَا

مکر بهردان شما را قوه نیست ای سید آدم از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكْذِبَانِ يَا مَعْشَرَ

خدا و پروردگار خود تکذیب میکنید ای گروه

علیکما

عَلَيْكُمْ شَوْاخِظٌ مِّمَّنْ تَارِدٌ

بر شما فتنه زبانه خالص از آتش و

خَائِبٌ فَلَا تَتَصَرَّاتِ

دود سیاه پس نصرت نتوانید کرد

فَيَايَ الْاَلْ رَيْكَمَا تَكْذِبَانِ

پس یکدوم از نغمه های خداوند خود دروغ می کنید

فَاِذَا اُسْتَقْتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ

بر چون بشکافد آسمان پس سرخ

وَرْدَةٌ كَالْدِهَاتِ فَيَايَ الْاَلْ

مانند ادیم آهر پس یکدوم از نغمه های

رَيْكَمَا تَكْذِبَانِ فَيَوْمَئِذٍ

پرو در کار خود تمکذیب می نمایند پس امروز

يَسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ اَنْتَ وَكَ

پرسیده نشود از گناه او آدمی و نه

حَبَاتٌ قَبَائِلُ أَلَا رَبُّكُمَا

پیری پس مکدام از نعمتهای پروردگار خود

تَكْذِبَاتٍ يُعْرِفُ الْمُحْرَمُونَ

تکذیب میکنند شناخته می شوند گناهکاران

بِسْمِ اللَّهِ قَوْمٌ غَدَّ بِالْوِصَالِ

بعلامت ایشان پس ترا گرفته شوند بمویهای پشانی

وَالْأَقْدَامُ قَبَائِلُ أَلَا رَبُّكُمَا

و بقدمهای پس مکدام از نعمتهای پروردگار خود

تَكْذِبَاتٍ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

دروغ میگوید این دوزخ است

يَكْذِبُ بِهَا الْمُحْرَمُونَ رَطُ

که تکذیب میکردند بآن مشرکان طواف میکنند

فُوتَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَيْمِ آيِن

در میان میان دوزخ و میان آبی کرم گریه می کردند

قبای

فَيَاكَ أَلَمْ رَيْتُمَا تَكْذِبَاتٍ

بس بگردانم از نعمتهای لایوردگار خود دروغ می ورزید

وَلَمْ تَخَفْ مَقَامَ رَبِّهِ

و برای کسی که بترسد از استادن پیش خدا

جَنَّاتٍ فَيَاكَ أَلَمْ رَيْتُمَا

دو بهشت بس بگردانم از نعمتهای سروردگار خود

تَكْذِبَاتٍ ذَوَاتًا أَفْنَاتٍ

بگذیب میکنند دو بوستان اند خداوندشاهها

فَيَاكَ أَلَمْ رَيْتُمَا تَكْذِبَاتٍ

بس از نعمتهای لایوردگار خود دروغ میکنند

فِيهِمَا عَيْنَاتُ حَجْرَاتٍ

درین دو باغ در چشمه میروند

فَيَاكَ أَلَمْ رَيْتُمَا تَكْذِبَاتٍ

بس بگردانم از نعمتهای آفریدگار خود دروغ میباشند

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ

درین دو چشمه از هر میوه

زَوْجَانِ ط فَيَايَ الْمَرْيَمَا

دو صنف پس بگیدام از نعمتهای خداوند خود

تَكْذِبَاتٍ ط مَكِّيَّتَ عَالِيَةٍ

روغ می درزید بیکه کشته گان باشند بر

فُرُشٍ ط رَجَائِيهَا مِنْ اسْتَرْفِط

فرشته که استر آن از دیبا

وَحِنَا الْمُحَنِّتِ ط دَانِ فَيَايَ

و میوه درختان این دو بهشت نزدیکست پس بگیدام

الْمَرْيَمَا تَكْذِبَاتٍ ط فِيهِمَا

از نعمتهای آوردید کادر خود بکنید درین

قَاصِرَاتِ الطَّرَفِ ط لَمْ يَطْمِئِنَّ

بصورتی روشت کوتاه چشمان اند نشوده باشند

ریش خط
انس

اَنْتَ قُلُوبَهُمْ وَلَا جَاتٍ
آهیان پیش از دواج و نه جنیان

فَبَايَ الْاَمْرِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانِ
بس بگردانم از نعمتهای رب خود را تکذیب می درزید

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتَ وَالْمَرْجَانُ
گویا هستند آن حوران یاقوت و مرداریند

فَبَايَ الْاَمْرِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانِ
بس بگردانم از نعمتهای خداوند خود تکذیب میکنید

هَلْ جَزَاءُ الْاِحْسَانِ إِلَّا الْاِحْسَانُ
ایا جزاء نیکی کردن در عمل باشد

فَبَايَ الْاَمْرِ رَبُّكُمَا تَكْذِبَانِ
بس بگردانم از نعمتهای پروردگار خود دروغ می درزید

وَمِمَّا دُوْنَهُمَا جَنَّاتُ
و مجز این دو بوستان مذکور دو بوستان است

فَبَايَ الْآرِ كَمَا تَكْذِبَاتٍ

بِسْ بَكْدَامِ از نغمه‌ها خود را و خود را تکذیب می‌نمایند

مَذْهَبَاتٍ فَبَايَ الْآرِ

در بهشت سبز از بسیار سبزی بس بکدام از نغمه‌ها بسیار می‌زنند

رَكَمَا تَكْذِبَاتٍ فِيْهِمَا

رَبْ خُور تکذیب می‌نمایند درین دو بهشت

عَيْنَاتٍ تَصَاخُتَاتٍ فَبَايَ

رُوحَتِهَا باشد جوشنده بآبی بس بکدام

الْآرِ كَمَا تَكْذِبَاتٍ فِيْهِمَا

از نغمه‌ها بروردگار خود دروغ می‌ورزید درین دو بهشت

فَا لِهَؤُ وَخَلَّ وَرَمَاتٍ

منو به بیرون فرمایان و امار

فَبَايَ الْآرِ كَمَا تَكْذِبَاتٍ

بِسْ بَكْدَامِ از نغمه‌ها بروردگار خود را تکذیب می‌نمایند

فِيهِ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ

درین چهار رحمت برتریده باشند نیکو رویان

فَإِنَّكَ لَأَرْبَمَا تُكْذِبَانِ

بس بگردانم از نغمتها، برورد کار خود تکذیب میکنید

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

حوران بهمان شده در خیمها

فَإِنَّكَ لَأَرْبَمَا تَكْذِبَانِ

بس بگردانم از نغمتها، رب خود تکذیب می نمایند

لَمْ يَطْمِئْنَتْ أَنْفُسُ قُلُوبِهِمْ وَلَا

بس نشوده است ایشانرا هیچ آدمی پیش از ایشان و نه

حَاجَاتٌ فَإِنَّكَ لَأَرْبَمَا تَكْذِبَانِ

جریان بس بگردانم از نغمتها رب خود در رفع زن می شوید

مَنْ كُنْتُ عَلَى رَفْرَفٍ خَصِرٍ

آنکس که ز خندان باشند بر فرستاده، سبزه و

عَبْدُكَ حَسْبَاتٍ : فَيَا أَلَمَّ
ب طهاره قیمتی بس بکدام از نعمتها

رَبُّمَا تَكُنْ يَا تَبَارَكَ اَسْمُ
خداوند خود دروغ می نماند بزرگ است نام

رَبُّكَ ذِي الْحَلَالِ وَالْمَأْرَامِ
بر در کار خود خداوند بزرگ و کرم

سورة الواقعة ست وتسعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم خدا مهربان بخشننده

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ : لَيْسَ لَوْفِقَهَا
چون واقع شود قیامت نیست در واقع شدن

كَاذِبَةٌ : خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ
دروغی فرو برنده بردارنده

اِذَا رَحَّتْ اِلَازِصَ رَجَاوُ

چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی و

لَبَّتِ الْجِبَالَ بَسًا فَكَاتَتْ

رازد شود کوهها را ندنی بس باشد

كَبَّاءُ مُنْبَتًا وَكُنْمٌ اَزْوَاجًا

غباری پراکنده و باشند اصناف

ثَلَاثَةٌ فَاَصْحَابُ الْمُئْمَنَةِ

سه گانه بس اصحاب دست راست

مَا اَصْحَابُ الْمُئْمَنَةِ وَاَصْحَابُ

چه اند اصحاب دست راست و اصحاب

الْمُشَاهِدَةِ مَا اَصْحَابُ الْمَشَاهِدَةِ

دست جب چه اصحاب دست جب

وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ اُولَئِكَ

و پیشی گرفتن پیشی گرفتن اند اولاد

الْمَقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ
نزدیک گردانیده شدگان در بوستانها نعمت

ثَلَاثَ مِائَاتٍ أُولَئِكَ وَقَلِيلٌ مِّنْ
سروای بیشتر از پشیمان و اندکی از

الْآخِرِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ
پسینان بر تختها بافته برز و مشک

مَّتَّكِتٍ عَلَيْهَا مُتَقَابِلَتٍ يَّطُوفُ
تکیه زدگان بران برابر یکدیگر میگردند

عَلَيْهِمْ وَلَدَاتٌ مُّخَلَّدُونَ بِأَلْوَابٍ
برایشان کودکان جاودید ماندگان بکوزه

وَآيَاتٍ وَكَاسٍ مِّنْ مَّعِينٍ
واینها و جامها از شربتی

لَا يَصْدَعُونَ عَنْهَا وَلَا يَنْزِفُونَ
در دگر سخن نشنند از آن و نه بیهوش شوند

وَفَاكِهِ مِمَّا يَخْتَرُونَ

و میوه از آنجکه اختیار نمینند

لَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ

گوشت مرغان از آنجکه ارزو میکنند

حُورٍ عَيْنٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ

زنان سفید روی کشاده چشمان مانند مروارید

الْمَلُوثُونَ جَزَاءَ بَإِذَا مَا كَانُوا

پوشیده باداش میدهم ایشان را بسبب آنچه بودند

يَعْمَلُونَ كَمَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

که میکردند شنوند در بهشت

لَعَنُوا أَوْلَآئِكَ تَائِبًا أَوْ لَاقِلًا سَلَامًا

سخنان بهوده و نه سخن موجب کنه بیکین می شنوند سلام

سَلَامًا وَأَصْحَابُ الْمَيْمَنِ

سلاما و اصحاب دست راست

الْهَيْتُ مَا أَصْحَابُ الْهَيْتِ فِي
رَأْسَتْ هِ اند اصحاب دست رآست در زیر

درخت
بیر

سِدْرٌ مَخْضُودٌ وَطَلْحٌ مَنضُودٌ
درخت کناری غار و درخت موز میوای آن در هم جیده

وَقَطْلٌ مَّهْدُودٌ وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ
و سایه کشیده و آب ریزان

وَفَاكِهِةٌ كَثِيرَةٌ لَا مَقْطُوعَةٌ
و سیوه بسیار نه بریده شده

وَلَا مَمْنُوعَةٌ وَفَرَشٌ مَرْفُوعَةٌ
و نه منع کرده شده و کستر دینها برداشته شده

أَنَا أَنْشَأْنَا هُنَّ أَنْشَاءَ فَحَعَانَا
بدستی که ما بیا فریدیم بی سبب و نادت زمان دنیا را بس کردیم

أَبْكَارًا عُرَبًا أَنْرَابًا لَا أَصْحَابَ
دختران دوشیزه دوسم را همزانان برای یاران

الهمین

۳۳
ع

الْمُهَيِّتِ ثَلَاثَةٌ مَّتَّ الْأَوَّلَاتِ
روایت کرد و بی اند از پیشینان

و ثَلَاثَةٌ مَّتَّ الْأَخِيرَاتِ وَأَصْحَابُ
و کرد و بی از پسینان و یاران

الْشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ
دست جب چه اند یاران دست جب

فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَخَلَّتْ مَتْنُ
در آتش سوزان و آب گرم و سایه از

تَحْتَهُمْ لَمَّارِدٌ وَكَارِيمٌ
دود سیاه نه خنک و نه سودرساننده

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتَرْفِعِينَ
بدستی که ایشان بوده اند پیش ازین بنار و نعمت

و كَانُوا يُصْرَفُونَ عَلَى الْخَنَثِ
و بودند که اقرار می نمودند بر گناه

الْعَظِيمِ وَكَانُوا يَقُولُونَ
بزرگ بودند که میکنند

إِنَّا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظًا
ایا وقتی که میمیرم و کردیم خاک و استخوانها

إِنَّا لَمَعْمُورُونَ أَوَايَا وَنَا
ایا بر اینکجا میمانیم از قبرها ایا پدران

لَهُمُ لُؤْلُؤٌ وَلَهُنَّ لَآلِئٌ
پیشینان ما نیز مسعود شوند بگوای محمد بدرستی که پیشینان

وَالْآخِرِينَ مَجْمُوعُونَ إِلَى
و پسینان را آیند جمع کرده باشند برای

مِيقَاتٍ يَوْمَ مَعْلُومٍ ثُمَّ أَنَا
وقتی معر شده از روز معلوم که قیامت است پس بدرستی که

أَيُّهَا الضَّالُّونَ أُمِّلَنَّ يَوْمَ
ای کما ان از راه حق بگذیب کنندگان

ماکلون

لَا كَلُوتَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ
هر آینه خوردگانند از درخت ان زقوم است

فَالْيُتُّ مِنْهَا الْكُلُوتُ فَيَسَارُ بُونِ
پس پرستندگان باشند از آن شکمها را پس شامندگان

عَلَيْهِ مِنْ الْحَمِيمِ فَيَسَارُ بُونِ
بر بالای زقوم از آب گرم پس اشد منندگان اند

شَرِبَ الْهَمِيمِ هَذَا نَزْلُهُ يَوْمَ
مانند شامیدن شتران این ماکول پیشکش ایشان است
تشنگی زده و مشروب

الدِّينِ حَتَّى خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْ لَا
در روز جزا ما آفریدیم شما پس چرا

تَصَدَّقُوا أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنتُمْ
باعد نمیدارید چنانچه دیدید از آبی که میریزید در حوض

أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ حَتَّى
اینها می آفرینید کودکان را یا ما می

الْحَالِقُونَ خَتَّ قَدَرَنَا

آفرید کار آن ما تقدیر کردیم

يُدْنِكُمْ أَمْوَاتٍ وَمَا خَتَّ مَسْبُوقَاتٍ

میان شما مرگ را و نیستیم ما پیشی گرفته شده

عَلَى أَنْ تَبْدَلَ أَمْثَالَكُمْ وَ

برای آنکه تبدیل کنم از شما کسان را که مانند شما اند و

نُشِئَكُمْ فَمَا تَعْمَهُوْنَ

بیا فرستیم شما را دیگر بار در صورتی که نمیدانید

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى

و بدیستی که دانسته اید شما آفرینش نخستین را

فَلَوْ كُنْتُمْ كَارِهِينَ

اگر شما را ناپسندید

تَرْجِعُونَهُ

بازگردانید آنرا

آمَ حَتَّ الزَّارِعُونَ **لَوْ شَاءَ**
 یا **رویا نده ام** **اگر خواهم**

لَجَعَلْنَا هَ حُطَامًا وَظَلَمَ
هر آینه کرد ام **انرا در هم شکسته** **بس همه روز بکشید**

تَقْدَهُوْتَ **لَنَا مُعْزَمُونَ**
شکفته **ما نند یا اند و نناک** **شوید بد رستی که ما غرامت** **نیگایم**

بَلْ نَحْنُ حُرٌّ وَهَوْتَ **أَفْرَاقَهُ**
بکد ما **بی هر گایم از روزی** **خبر دید**

أَمَّا الذِّكْرُ **نَشْرِبُونَ** **فِرَاقَهُ**
از آبی **که می اشامید از برای** **تکین تشنگی** **ایات**

أَنْزَلْنَاهُ هَ هَتَّ **الْمُزِتْ** **آم**
زود ستاده اید **از ابر سفید** **یا**

حَتَّ **الْمُزْلُوتْ** **لَوْ شَاءَ**
زود ستاده **کهیم آبی** **شریف** **اگر خواهم**

حَجَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

کرد اینم ان ابر را تلخ و شور پس چرا شکر نمیگویید

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ

آفتاب را که می بینید از آتش که بیرون می آرید ای شما

أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ خُنْتُمْ

بیا فزیده آید درخت اش را یا

أَمْ لَمْ تُشْكُرْ أَنْ كُنْتُمْ جَعَلْنَاهَا

آفریننده اینم ما کرد ایندیم انرا

تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِّمَنْ قُوِيَ

یاد کردن و بر خورداری مرص قرآن را و

قَسَمَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس قسم بکوی بنام پروردگار خود بزرگوار

فَلَا أَقْسِمُ بِمَوْلَاقٍ الْخَوْفِ

پس سوگند یاد میکنم بموالتع الخوف قرانی

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَعْلَمُونَ

و بدستی که این خدا بداند سو کند خورد کردانی

عَظِيمٌ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ

بزرگوار بدستی که هر آینه قرآن است بزرگوار

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ

در کتابهای پوشیده نشاید بوی

إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنْزِيلٌ مِّنْ

مکرایه کان قرآن زودر سنده شده است از

رَّبِّ الْعَالَمِينَ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ

بروردگار عالمیان آیا بدین سخن که قرآن است

أَنْتُمْ مَذْهُبُونَ وَتَجْعَلُونَ

نما ناکر وید کایند و می سازید

رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تَكْذِبُونَ

بهر خود را آنکه تکذیب کنید روز

فَلَوْلَاذَ بَلَّغْتَ الْخَلْقُومَ وَأَنْتُمْ حَبِيبُونَ

بی چرا چون برسد روح خبر کلا در دنت درک و شما انعام

مستی از او عیب دست راست

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

اِنْكَارِ مِمَّا اَمْلَكْنِيَتْ
 کبر با شکرده از یکدیگر کشندگان

الضَّالِّاتِ فَتَزَلُّ مِّنْ حَمِيمٍ
 از گمراهان پس مودر است در قبر از آبی گرم کرده در دوزخ

وَتَصْلِيَةٌ جَمِيمٍ اخْذَاهُ
 و در آوردن روز قیامت با تش سوزان بدرستی که ایخه گفته شد
 بر آینه آن

حَقِّ الْيَقِيْنِ تَفْسِيْحٌ بِاسْمِ
 حق و یقین است پس تفسیح کوی بنام

رَبِّكَ الْعَظِيْمِ
 بروردگار عظم بزرگ خویش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيْمِ
 بنام خدا مهربان بخشنده

بِسْمِ اللَّهِ مَلِكِ السَّمَوَاتِ وَمَا
 تَسْبِيح گفت مرقدارا ایخه در آسمانها

ع

فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ
در زمینهاست ^{بادشاه} ^{بزرگوار}

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ • هُوَ الَّذِي
ارجمند ^{محکم کار} اوست ^{انست}

بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّاتِ رُسُلًا مِنْهُمْ
بر انبوت ^{در میان امیان} فرستاده ^{در میان امیان}

يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
میخواند بر ایشان ^{آیههای کلام خدا و پاک میسازد}

وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِسْمَةَ
و می آموزاند ایشان را ^{کتاب} و احکام ^{شریعت}

وَإِنْ كُنْتُمْ لَا تَرْضَوْنَ لِي فِي
و بدوستی که بودند پیش از نوشت ^{پیغمبر} در

ضَلَالٍ مُبِينٍ • وَآخِرُ نَسْرِهِمْ
گمراهی ^{هویدا} و دیگر ^{سعی و تلاش} در میان

ما

مَا يُلْقُوا بِهِمْ ط وَهُوَ الْعَزِيزُ
 نرسیده اند با نمانده سابقان اند و خدا غالب است

الْحَكِيمُ ذَاكَ فَضْلُ اللَّهِ
 خداوند حکمت این نبوة / افزونی کرم خداست

يُؤْتِيهِ مِنْ تَشَاءُ ط وَاللَّهُ ذُو
 میدهد آنرا هر که را خواهد و خداوند

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَثَلُ
 فضل بزرگ است مثل

الَّذِينَ حَمَلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ كَفَرُوا
 آنانکه تحمیل کرده شده اند توریة را پس کفر

تَحْمِلُوا هَآكَ مَثَلُ الْخَمَارِ تَحْمِلُ
 درستند آن بار را همچو مثل دراز کوشش است که بردارد

أَسْفَارًا ط بَشِيرٌ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ
 از کتابها علم به مثل است که زده است گروه یهود آنها

كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

تکذیب کردند حجتها خدا را و خدای راه نمی یابد

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ يَارَبِّهَا

سرو / ستمکاران را / کیو / ای

الَّذِينَ هَادُوا ابْنَ زَعَمَةَ

انانند دین یهودیه دارند اگر کمان برید

أَنْكُمْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ مَت دُونَ

کنند شما دوستانید مر خدا را بدون مردمان

النَّاسِ قَتَلُوا أَمْوَالَ أَنْكَمَ

از عرب و عجم پس آرزو برید مرگ را اگر میستند

صَادِقِينَ وَلَا يَمْنُونَهُ أَبَدًا

راست گوینان و حال آنکه یهود تمنا نمیدهند مرگ را

بِمَا قَدَّمْتُمْ آيَاتِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ

بیب آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان و خدا داناست

بِالظَّالِمِينَ

يَا ظَالِمِيَّتْ قُلِّ اتَّ اَمُوتْ
بستمگا ران بگو ای محمد بد رستی که مرگ

الَّذِي تَفَرَّقَتْ مِنْهُ فَانَّهُ مَلَأَكُمْ
آن مرگی که میگریزید از وی بس تحقیق که در سنده است بشما

ثُمَّ تَرُدُّوْنَ اِلَى عَالَمِ الْغَيْبِ
بس باز گردانیده شوید بسوی دانا پنهان

وَالشَّهَادَةِ فَيُنْفِخُكُمْ فِيهَا لَكُمْ
و اشکارا بس جبرده شمارا با بجه هرستید

تَحْمَلُوْنَ بِأَرْيَافِهَا الزَّيْتِ اَمِنُوا
که عمل میکنید ای امانک گردیده اید

اِذَا فُودِكِ لِلصَّلَاةِ هَبْ يَوْمَ
جون نداداده شوید برای نماز از روز

الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلَى ذِكْرِ اللَّهِ
جمعه بس بشتابید بسوی یاد کردن خدا که نماز است و خط

وَذَرُوا الْبَيْعَ ^ط ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

و بگذارید خرید و فروخت را آن سعی و ترک بیع بهتر است

اَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ^ف قَا دَا

اگر هستید که بدانید پس چون

قَضَيْتَ الصَّلَاةَ ^{هـ} فَاَنْتَرُوا فِي

گذاردن نماز پس بپرکنند شو بیدار

الْأَرْضِ ^و وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ

زمین و بجوئید از فضل

اللَّهِ ^ح وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ

خدا یاد کنید خدا را بسیار تا بیکر شما

تَقْلَبُونَ ^و وَادْرَاؤْكُمْ خَارِجًا

رستگار شوید و چون بپسند بازگانی

أَفْهَمُوا أَنْفُسَهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ

یا بشنوند او را طبعی متفرق کردند سبوی آن و بگذارند

قَاتِمًا قَلْبًا مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْهُ

استاده کجوانچه نزدیک خداست بهتر است از
برمین

اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْخَائِرِ وَاللَّهُ

استماع لهو و ز طمع تجارت و خدا

خَيْرُ الرَّاغِبِينَ سَوْزِ الْمَلِكِ تَلْتُونَ آيَةَ

بهترین روزی دهندگان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا مهربان رحمت یمنده

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ

بزرگ و برتر است آنکسی که بدست قدره اوست بادشاهی و

عَلَّمَ كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرٍ الَّذِي

بهر همه چیزهای تواناست اخذ اوندی

خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ

که بیا فرید مرگ و زندگی را تا ببیند شما را

أَلَمْ أَحْسَنْ عَمَلًا وَهَوَ

کدام از شما نیکوتر از همه عمل

واو

الْعَزِيزُ الْغَفُورُ الَّذِي خَلَقَ

انگذاوندی که بسیار فرید

غالب است آمرزنده

سَبْعَ سَمَوَاتٍ طَبَاقًا مَاتَرِي

هفت آسمان طبقه طبقه نمی بینی تو ای محمد

طبقه طبقه

فِي خَلْقِ الرَّحْمَتِ مِنْ تَفَافُوتٍ

در آفرینش رحمت مرا آسمان را هیچ خللی و اختلافی

فَأَنْجَحَ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ

بس باز کردن چشم را بسوی آسمان هیچ نمی بینی از

فُطُورٍ ثُمَّ أَنْجَحَ الْبَصَرَ

دید

شکافی و نقصانی بس باز کردن

كَرَّيْتُ بِثِقَلِكَ إِلَيَّ الْبَصَرَ

سر می بردم بگریه تو ببار کردم چشم تو

خَاسِيًا وَهُوَ خَيْرٌ وَلَقَدْ زَيَّنَّا

دور از یافتن عیب و او مانده بود از ویدرستی که بسیار است

السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَاحِبٍ وَجَعَلْنَا

آسمان دنیا را بمراتبها و کرد ایندیم ستارگان

رُحُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا

را نندگان مردیوان را و آماده ساخته ایم

لَهُمْ عَذَابُ السَّعِيرِ وَلِلَّذِينَ

برای ایشان عذاب آتش فروخته و مران است

كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ

که کار شدند بروردگار خویش عذاب دوزخ

وَيُسْأَلُنَّ أَمَّا لِمَ صَبَرْنَا إِذَا الْفَوَاقِ

ویدر جای بازگشتی است چون درافکنده شوند کارزان

سَمِعُوا أَلْفًا شَرِيفًا وَهِيَ كَقَوْلِ

بشنوند دردوزخ آواری مانند آواز دراز گوش و او می

تَكَادُ مَبْرُومَتِ الْغَيْظِ طُكْلًا

تزدیک است که پاره پاره شود دوزخ از خشم کاخران درگاه

أَلَيْتَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَائِنَهُ

در آنکند شوند در دوزخ گروه از سوال کنند خازنان دوزخ

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ

آیا نه آمد شما بیم کننده گویند آری بدستی که

جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا

آمد ما بیم کننده پس دروغ نمودم ما تو را و گفتیم

نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ طَائِفَاتٍ أَنْتُمْ لَا

نزود از آسمان است خدا هیچ چیز نیستید شما

فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ قَالُوا لَوْ

در گمراهی بزرگ گویند که در دنیا

كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي

اگر می بودیم که می شنویدیم یا فهم میکردیم بنویدیم امر در این

أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَأَعْرِفُوا
 اهل دوزخ پس اقرار کنند

بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ
 بکناه خویش پس دوری باد از رحمت هر طایفه دوزخ

إِنَّ الَّذِينَ تَلْعَنُونَ رَبَّهُمْ
 ببدستی آنانکه بترسیدند از عذاب پروردگار خود

بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ
 بپوشیدگی مرا ایشانراست از زشتی و زدی بزرگ

وَأَسْرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا
 و نهان سازید سخن خود را در باره پیغمبر یا آشکار کنید

بِهَاطَاتِهِ عِلْمَ بَنَاتِ الصُّدُورِ
 مودا بدستی که خدا میداند باینچه در سینه های شما است

أَلَمْ يَعْلَمِ مَن خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ
 آیا نداند آنکه در دلهای است آنس که بیافرید دلهای او و دانه است

خ

الْحَنِيفُ هُوَ الْمِلَّةُ جَعَلَ لَكُمْ لَازِ

اوست خداوندی که گرد ایند برای شما زمین را

ع

دَلُولًا فَأَمْتُوا فِي مَنَاكِهَاق

نم پس بروید در اطراف آن و

كَلُوا مِنْ رِزْقِهِ طَوَّالِيَه

بخورید از روزی خود و بسوی اوست

الْمَشُورِ رَامْتُمْ مَتَّ فِي السَّمَاءِ

بازگشت شما ای ایا این شدید از آنکه در آسمانها ای کافران

أَنْ تَخْشَفَ رِجْلُكُمْ لَازِضًا فَاذَا

آنکه فروبرد شمارا بدین پس نگاه

هَي قَوْمٌ أَمْ أَمْتُمْ مَتَّ فِي السَّمَاءِ

زمین را میکردم اضطراب ای ایا این شدید از آنکه در آسمانها

أَنْ يَرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ

آنکه فرو فرستد بر شما سنگ دروزه پس بدانید که

کیف

كَيْفَ نَذِيرٍ وَلَقَدْ كَذَبَ

چگونه بودیم کردن من و بدستی که تکذیب کردند

الَّذِينَ مَاتَ قَبْلَهُمْ فَلْيُقَاسُ كَانِ

آنکه پیش کفار این مثل بین چگونه بود بر ایشان

تَكْرِيرٍ أَوَّلَمْ يَرَوْا إِلَى الْخَالِصِ

عقوبت من آیا نمیدانند نبوی مرغان

فَوَقَدْ صَافَا فَاكِتٌ وَتَقْبِضُ

زیر ایشان در هوا صفها بر کشیده می کشند بالها خود را و فراموش آرند

مَا يَسْأَلُ إِلَّا الرَّحْمَتَ ط إِنَّهُ

نگاه نمیدارد ایشان را در هوا مگر خدا بدستی که خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ بَحِيرٌ أَمَّتْ هَذَا

هم چیزها بینا است آیا کیست که

الَّذِي هُوَ جَدُّ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ

که او جد و گاه است مر شما را یاری میدهد

مَنْ دَوِيَ الرَّحْمَتِ ^ط اِب
بجز خدا بیشترند

الْكَافِرَاتِ ^و اَلْفِ عَرَفِ
هر ویدکان مکرر فریب

اَمَّتْ هَلَا الذِّكْرِ يَزْ قَكَمْ
ایا کست که این انکس است که روزی میدهد شما را

اِنَّ اَمْسَكَ رِزْقَهُ ^ط بَلْ جَوْنِ فِي
اگر باز کرد خدا روزی خود از شما بلکه سستیز کرد نذر

عَوْرٍ نَفُورٍ ^و اَمَّتْ يَمِشِي
غدا و رمنده ای کسی که میرود سرفرو

مُتَبَا ^ط عِ وَجْهَكَ اَهْدِي اَمَّتْ
اکنده بر روی خود راه یافته تر است ای کسی

يَمِشِي سَوِيًّا ^و عِ صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ
میرود راست بر راستی

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ

مکبو او اوست که بیافرید شما را و بیدار

لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَلَا تَعْبُودُوا

شمار شنوایی و دیدن را و

فِيهَا قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

دچار اندک شکر میکنید درین نعمتها را

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ

مکبو خدا آنرا است پرکننده ساخت شما را در زمین

وَاللَّهُ خَشِرُونَ وَيَقُولُونَ

و بسوی او باز گردیده خواهید شد و میگویند مشرکان

مِنَ هَذَا الْوَعْدِ أَنْتُمْ صَادِقِينَ

کی باشد این وعده حشر اگر راستید راست گویان

قُلْ مَّا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَمَّا أَنَا

مکبو جزین نیست که دانش قیامت نزدیک خداست و جزین نیست

سوره اعراف

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

لَنْ يَرْمِيَتْ فَاَمَّا رَاَوْهَ زُلْفَةً

بیم کننده ام اشکارا بر افشنگام پند مو عود را نزدیک

سَمِعَتْ وَجْوهَ النَّاسِ كَفَرًا

بگرد دوزشت شود روها انک کار شدند

وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ

و گفته شود این آنست که بودید که بدان

تَدْعُونَ قُلْ اَرَا يَمْ لَنْ اَهْلِكَ

تنها میکردید بگو خبر دهید مرا اگر هلاک کردم

اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ اَوْ رَحْمَتَا مَنِّ

خدا و آنرا که با منند یا بخشش پرما پس بگفت

تَجِبِرَا لِكُلِّ قَرْيَةٍ مِمَّنْ عَذَابُ

زیهارده کاران از عذاب

الْأَمْرِ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَا بِهِ

بگو او خدا کردیم بوی

و عليه

وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَعَاهُوتْ مَتْ

و بر او توکل کردیم پس زود بود که بدایند کمیت

هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ قُلْ

او از ماتما در گمراهی اشتکارا بگو

أَرَأَيْتُمْ لَيْتَ أَصْحَابِ مَاؤُكُمْ غَوَّيَا

خبر دهید مرا اگر کردد آب شما فرود رفته

مَتَّ يَأْتِيَكُم مَّاءٌ مَّحِينٌ

پس کمیت آنکه بیارد برای شما آبی جاری

سورة النوح مكية وهي عشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا مهربان بخشنده

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ آتٍ

بدرستی که ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او

انذِر قَوْمَكَ مِمَّنْ قَبْلَ اَنْ
بیم کن گروه خود را پیش از آنکه

يَاْتِيَهُمْ عَذَابُ الْيَمِّ **قَالَ** ياقَوْمِ
بیاید پیش از آنکه عذاب دری درونشان گفت ای گروه

الْحَيِّ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ **قَالَ** اِنْ
بدستی که من شمارا بیم کننده ام استکارا اگر

اعِدُّوا لِلَّهِ **وَاَتَقْوَةُ** وَاَطِيعُوا
پرستید خدا را و ترسید از عقوبت و فرمان برید

لَا تَخْضَعُوا لَكُمْ مِمَّنْ ذُرِّيَّتُكُمْ
بنیاد نزد خدا را شمارا رزگستانان شمارا

وَيُؤَخِّرْكُمْ اِلَىٰ اَحْلَیِّ مَسْمُومٍ **قَالَ** اِنْ
و باز بیند او شمارا تا وقتی نام برده بدستی که

اَحْلَیُّ **اَلَا** اِذَا جَاءَ لَا يُؤَخِّرُ لَوْ كُنْتُمْ
مدتی خدای چون بیاید باز پس آنکه شود اگر راستید

تَعْلَمُونَ قَالَ رَبِّ اِلٰهِ

که بدانید گفت ای پروردگار من بدرستی که

دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ

من خواندم قوم خود را شب و روز پس

يَزِدُّهُمْ دَعَائِي لِّمَا فَرَارًا وَ

نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریختن و

اِلٰهِ كَمَا دَعَوْتُهُمْ لَتُغْفِرَ لَهُمْ

بدرستی که من هرگاه که خواندم ایشان را تا تو بیا مری ایشان را

جَعَلُوا اَصَابِعَهُمْ فِي اُذَانِهِمْ

در آوردند انگشتهای خود را در گوشهای خود

وَاسْتَعْنَوْا اِيَّاكُمْ وَاصْرَفُوا

و سرکشیدند شما را و استأصرفتند

وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ثُمَّ اِنِّي

و سرکشی کردند سرکشی کردن پس بخین من

دَعَوْتَهُمْ جَهَارًا ثُمَّ الْخِافَ اَعْلَنْتُ

دعوت کردم ایشان را آشکارا بین تحقیق من آشکارا کردم

لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا فَقُلْتُ

مر عجبی است ایشان را و بران نیز گفتم ایشان را از کفتم پس گفتم

اسْتَخْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ

از من ترس طلبید از پروردگار خود بدرستی که خدا هست

غَفَّارًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ

آمرنده بفرستد آبرو بر شما

مُذَرَّرًا وَفَرَادًا كَمْ بِأَمْوَالٍ

بارانیدنی بلی در پی و مدود بد شمارا بامای

وَنَبَاتٍ وَتَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ

و بهر درختان و بوستانهای

وَتَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا مَالِكًا

و بهر درختان و جویهای آن جیت شمارا

لَا تَرْجُوتُ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ

که امید نداشتید خدا را بزرگواری و حال آنکه

خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا أَلَمْ تَرَوْا

بیافریده است شما را گونه گونه ایایی پسند

كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ

که چگونه بیافرید خدا هفت آسمان

طَبَاقًا وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ

طبقه بر بالای طبقه و گردانید ماه را در میان ایشان

نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا

روشنی و گردانید آفتاب را سراج

وَاللَّهُ أَنْتَبَهُمْ مَّتَّ الْأَرْضَ

و خدا بر دینداران شما را از زمین

نَبَاتًا ثُمَّ لَعَنَكُمْ فَمَا وَتَكُرْ حَلُمٌ

رستنی پس باز خوار گردانید شما را در زمین و بیرون آمدن شما از قبر

اُخْرَاجًا ۞ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم

بیرون آوردن و خدا کرد ایند برای شما

لِلْاَرْضِ بِسَاطًا لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا

زمین را فرش گسترده تا میروید از زمین

سَبَلًا ۞ فَاِذَا جَا قَالَ نُوحٌ رَبِّ

براههای کشیده گفت نوح ای پروردگار من

اِنَّهُمْ عَصَوْكَ وَاتَّبَعُوا مِمَّنْ

پدر من که ایشان نافرمان شدند و پیروی کردند از آنرا

لَمْ يَزِدْهُ مَالًا وَوَلَدًا

که زیاده نداد او مال او و فرزندان او

خَسَارًا ۞ وَمَكَرُوا مَكْرًا

زیانکاری و مکر کردند بزرگان قوم مکر

كِبَارًا ۞ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ

بزرگس و گفتند باز مدارید

۴۸
اَلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرْتُمْ وَدًّا

از عبادۀ خدا بایان خود و نگذارید و در آن

وَلَا سَوَآءًا وَلَا يَغُوثَ وَ

و نه سواع را و نه یغوث را و نه

يَعُوقَ وَ تَبَرًّا وَقَدْ أَضَلُّوا

یعوق را و نه تبر را و حال آنکه رسو گردند و قوم یا این بیان

كثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ

بسیار را و میفزای بار خدا یا ستمکاران را

لَمَّا ضَلَّوْا لَمْ يَمَّاخُطِيَا رَبَّهُمْ

که هلاک و عذاب از برای کسانی که قوم نوح

أَغْرَقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَكَمْ

غرق شدند بطوفان پس در آوردند ناری که

يَجِدُ وَالْمَهْمَمَّتْ دُونَ اللَّهِ

پیدا فشد برای خود بجز خدا

أَنْصَارًا ۞ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا
یاران گفت نوح ای پروردگار من

تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ
بگذار تو مرا بر زمین از کافران

دِيَارًا ۞ أَنْكَرْتُ تَذَرُهُمْ
دورکننده بدستی که تو اگر بگذاری ایشان را

يُضِلُّوا عَمَّا دَكَوْا عَلَيْهِ وَاللَّهُ
همراه کنند بندگان ترا و گمراه کنند

فَاجْرًا كَفَّارًا ۞ رَبِّ اغْفِرْ لِي
بخورکننده ناسباس ای پروردگار من بیایم مرا

وَلِوَالِدَيَّ وَمَنْ دَخَلَ بَيْتِي
و بر پدر و مادر مرا و هر کسی که در آید خانه من

مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
در خانه من که مؤمن بود و مردان مؤمنان و زنان مؤمنان را

۲۹ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا
و میفزای مستکاران را
مکرملای

سورة المزمل مكية وهي ثمان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم
بسم الله الرحمن الرحيم
ع

يَا أَيُّهَا الْمَزْمُومُ قُمْ إِلَى اللَّهِ
ای کلیم در خود پیچیده
بر غیر شب
مکر

قَلِيلًا نَّصَفَهُ أَوْ انْقَضَ مِنْهُ
اندکی از شب نیم شب است
یا ستم کن
از نیم شب

قَلِيلًا أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتَبْ
اندکی
یا زیاده کن برین
و بتانی و شمرده حوال

الْقُرْآنَ تَرْتِلُ لَنَا سَلِّ عَلَىكَ
قرآن را روشن گردنی
بدرستی که زود باشد که وی
اکتم بر تو

قَوْلًا ثَقِيلًا ۝ اِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ

سخنی کران بدستی عبادی که ناشی باشد شب

هِيَ اَشَدُّ وَطْأً وَّ اَقْوَمَ قِيلًا ۝

ان سخت ترست از جهت ریخ و راست ترست از جهت مقال

اِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَجًّا

بدستی که مرتب در روز آمده شد

طَوِيلًا ۝ وَاذْكُرْ اَسْمَرَ رَبِّكَ

درازست و یاد کن نام برورد کار خود را

وَتَبْتَ إِلَىٰ تَبَتُّلًا ۝ رَبُّ

و پریده شود خلق بسوی او برین کامل آفریده کار

الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ ۝ اِنَّ اِلٰهَهُوَ

مشرق و مغرب هیچ معبود نیست بنزای سترش

فَاتَّخَذَ وَكِيلًا ۝ وَاصْبِرْ عَلٰٓی

بس بیکر او را کار ساز و صبر کن بر

ما

مَا يَقُولُونَ وَأَجْرُهُمْ
اجته میکندندار و پیر از ایشان

هَجْرًا حَسَنًا وَذَرَكًا
بریدن نیکو و بگذار مرا و

مَذَكَّاتٍ أُولَى النِّعَةِ
با مکه زبان خداوند تنعم

وَمَهْلَمٍ قَلِيلٍ لِّأَتِ لَدِينَا
و مهلت ده ایثا نما مهلت اندک بدستی که نزدیک است

أَنْكَاةً وَأَوْحِيًا وَطَعَامًا
بند های کران و انش بزرگ و خوردنی

ذَا غَصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا
با غصه در کلو کردن و عذاب دردناک

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
روزی که بلرزه آید زمین و بختند کوههای

وَكَا نْتَ الْبَالِ كُنْيَا

و کردند کوهها کنیه را یک

مَهْلِكًا لَنَا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ

پیراننده بدستی که ما از شما دیدیم بسوی شما

رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا

بیغیری سکواه بر افعال و افعال شما همچنانکه

أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

فرستادیم ما بسوی فرعون رسولی

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

بس عصای شد فرعون بیغیرا

فَاخْذُنَا ۖ آخِذًا وَبِيْلًا فَلَمَّا

بس بگیر فتم اورا گرفتن سخت بس بچگونه

تَتَّقُونَ اِنَّ كُفْرَكُمْ يَوْمًا

نگاه دارید اگر نمایند بر کفر خود از عذاب روزی

يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا
کرداند کودکان را پیر

السَّمَاءَ مَنفُطَرَةً
آسمان شکافته شود بسختی آن هست

وَعْدَةٍ مَّفْعُولًا
وعدۀ خدا بودنی بدرستی که اینها پنداری است

مَتَّ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ
بس هر که خواهد و آید بوقت آفرید کار خود

سَبَّاحًا
راستی بدرستی که پروردگار تو میداند

أَنْكَ تَقُومُ آدِي مَتَّ تَلَّيْ
آنکه تو برمی خیزی برای نماز کمتر از چهار انگشت

النَّيِّ وَنُصْفَةٍ وَتَلَّشَ وَطَّيْفَةٍ
شب و نماز که آید نیم شب و سه یک از روی و بر میخیزد

مَتَّ الذَّيْتِ مَعَكَ ^ط وَاللَّهُ
از انانک ^{یا تواند} و خدای

يَقْدِرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عِلْمُكَ
اندازه میکند شب و روز را ^{داند خدا که}

لَتُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكَ
طاقت ندارید تقدیر اوقات را پس باز گشت توبه

خَافُوا مَا تَسْرِمُ الْقُرْآنِ ^ط
بهر بخوانند آنچه آسان بود ^{از قرآن}

عِلْمُكَ أَنْ سَيُوتُ مِنْكُمْ مَرِيضٌ
داند خدا ^{باشند از شما} بیمارانی

وَأَخْرُوتُ يَخْرُبُونَ فِيهِ
و دیگران ^{که میخورند}

لَا يَرْضَى بِنُحُوتِ مَنْ فَضَّلَ اللَّهُ
زمین ^{نیست طلبند} از فضل خدا

وَأَخْرُوتَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

و دیگران که کارزار میکنند در راه

اللَّهِ قَافِرُونَ مَا تَنْتَرِمْنَهُ وَ

خدا پس بخوانند آنچه میسر شود از آن و

اقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

بپای دارید نماز مفروضه را و بدهید زکوة واجب را

وَاقْرَءُوا اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا

و قرض دهید خدا را قرض نیکو

وَمَا تَقْدِمُوا لَا لِنَفْسِكُمْ هُمْ

و آنچه پیش نرستید برای نفسهای خود از

خَيْرٍ جَدْوَةٌ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ

نیکو بیابید آنرا نزدیک خدا او بهتر و بزرگتر

وَأَعْظَمُ أَجْرًا ط وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

و بزرگتری پاداش و طلب آمرزش کنید از خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست

سورة النبأ اربعون آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم بنام خدا بخت بند مهربان

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاِ

از چه چیزی پرسند کافران از خبری

الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ

بزرگ ان خبری که ایشان درو

مُتَنَفِّوَاتٍ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

اختلاف گفتگان حقا که سرانجام است که بدانند نزدیکی

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

پس زود یا شد که بدانند روز قیامت

تَجْعَلُ الْاَرْضَ مَعَادًا ۝۱۰

تو خدایم زمین را تراشی کسزده و کوهها را

اَوْتَاَدًا ۝۱۱ وَخَلَقْنَاكُمْ اَزْوَاجًا ۝۱۲

بیمنا و بیایم تو را ترا و زوایه

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ۝۱۳

و کردایم خواب شما را اراست و بدنها

جَعَلْنَا اللَّيْلَ سَاوًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ

کردایم شب را بوشش و کردایم روز را

مَعَاشًا ۝۱۴ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ

وقت طلب معشت و بنا کرده ایم زیر سر شما

سَبْعًا شِدَادًا ۝۱۵ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا

هفت آسمان سخت و بیایم چراغی

فَوْهَا جَا ۝۱۶ وَاَنْزَلْنَا مَتَاعَ الْحَيَاةِ

ازو خفته و فرودستایم از ابرویش رزقها را

مَا خَلَجْنَا لَهُمْ مِنْ جِذَاءٍ وَنَبَاتًا

آبی ریختن آن تابیردن آریم بدان آب دانند و رستنی

وَحَنَاتٍ أَلْفَافًا

ورختن درهم به پیچده بدرستی که روز

الْفَصْلُكَاتِ مِيقَاتًا

هکم گذاری هست وقتی مقرر روزی

يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

دمیده شود در صور پس بیایید شما از قریب گروه گروه

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا

و بشکافتن آسمان بگشاده شد از بسیاری درها

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا

و رانده شوند کوهها پس باشند مثل سراب

أَنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

بدرستی که روزی باشد گذرگاه خلق

لَلطَّائِفِ مَائِدَةٍ لَا يَشْفَعُ فِيهَا
مرگه زان را بازگشت درین بختند دران

أَحْقَابًا لَا يَذُوقُونَ فِيهَا
روزهای دراز نمی چشند در دوزخ

بُرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَ
گرمی هوا و آشامیدن شدایی مگر آبی گرم و

غَسَاقًا جَزَاءً وَفَاقًا إِنَّهُمْ
سیم بادش داده میشوند بادشئی موافق کردار خود بدین گراشتن

كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَ
بودند نمی ترسیدند از حساب آفت و

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَابًا وَكَلَّ
تکذیب نمودند بآیههای ما تکذیب کردنی و هر

بِأَخْصَنَاءَ كَتَابًا فَذُوقُوا
چیزهای شمردهیم انرا نوشتنی پس بچشد

قُلْتُ تَزِدُّكُمْ لَعْنًا

بس معنی افزایم نماز همیشه مکر عذاب

إِنَّ لِمَنْ تَبَىٰ مَقَارَاحَ الْفِ

بیدارستی که مرید پرستگار را ترا رستگاری از عذاب با

وَأَعْنَابًا وَكَوْاعِبَ أَنْزَابًا

و درختان انگور و درختان نارستان همزادان

وَكَاَسًا دَهَاقًا لَا يَمَعُونَ

و جامها پر از شراب نمی شنوند

فِيهَا لَعْنٌ وَكَلْبًا جَزَاءُ

در بهشت سخنان پهنه و نه دروغی جزا داد

مَنْ رَجَعَ عَظْمٌ حَسَابًا

از پروردگار خود عطا کرد عظامی وانی آفریدگار

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

آسمانها و زمین و آنچه

بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ ^{آنکه نیست} شَه ^{بختا بزند} ^{مالک گویند}
خَطَابًا يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ ^{خطاب را آن روز بایند} ^{روح} ^{و فرشتگان}
خَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ ^{خفتند سخن گوید} ^{حکمران که دستور} ^{و عدم اذن}
الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوِّبَا هَذَا الَّذِي يَوْمَ ^{باینه} ^{و گوید که این خوب} ^{آن روز و بهشت}
الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اخْتِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ ^{دست} ^{پس هر که خواهد} ^{کسی} ^{کوی خداوند}
مَا بَاءُ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا ^{نویس تا باریک نیست بدین که هم کردیم تا عذاب نزدیک}
يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ ^{آن روز} ^{بنگردد} ^{مردم آنچه پیش فرستند}
يَدَاوُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي ^{نرمودند و گوید} ^{کافر} ^{ای کاش}
كُنْتُ تُرَابًا ^{بودم من خاک} ^{بنام خداوند بخت باینه} ^{مهراب}

وَالنَّازِغَاتِ غَرَقًا وَالنَّاشِطَاتِ

نَشْطًا وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ

سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا يَوْمَ تَرَى

الرَّاجِفَةَ تَتَّبِعُهَا الرَّاكِبَةُ قُلُوبُ

يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَارُهَا

خَاشِعَةٌ يَقُولُونَ أَيْنَا الْمُرُودُونَ

فِي الْخَافِرَةِ أَيْنَا عِظَامُ الْخِرَّةِ

قَالُوا تِلْكَ إِذْ أَكْرَهْتَ خَاسِرَةٌ فَإِنَّا

٥٧٤ هـ هي زجرة واحدة فاذا هم بالسارة

هل ائتلك حديث موسى اذ نادى

ربه بالواد المقدس طوى اذ هب

الى فرعون انه طغى فقل هلك

الى ائتزكى واخذيك الى

ربك فتخشى فآية الكبرى

وكذب وعصى ثم اذ بر ليعلى

فحشر فنادى فقال انا ربكم الاعلى

فَاَخَذَهُ اللهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنِ يَخْشَى
أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمَكُهَا
فَسَوَّيْهَا وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ نُجُومَهَا
وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ رَحْوَةً أَنُحِجَ
مِنْهَا مَآءُهَا وَمَزَعَ عَنْهَا وَالجِبَالُ أُتْرُسُهَا
مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتْ
الْطَّامَّةُ الْكُبْرَى يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ
مَا سَعَى وَبُرْزُتِ الْحَيِّ يَمُرُّ لِمَنْ يَرَى

لِمَنْ يَرَى فَاَمَّا مَنْ طَغَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ ٥٤

الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى وَأَمَّا

مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ

الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى يُسَالُوكَ

عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا فِيمَ أَنتَ مِنْ

ذِكْرِهَا إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهِنًا إِنَّمَا

أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يُحْشَرُهَا كَانَتْهُمْ يَوْمَ

يُرَوْنَهَا الْمَلَأَيْسُوا لِأَعْيُنِهِمْ أَوْضَحُهَا هَـ

لَسِيَّ
اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۚ أَنْ جَاءَهُ إِلَّا غَمٌّ وَمَا

يَذْكُرُ لَعَلَّهُ يَنْصَحِي ۚ أَوْ يَنْصَحِي

فَتَنَفَعَهُ الزُّكْرَى ۚ أَمَّا مَرْ شَتَّغِي ۚ فَانْتَ

لَهُ تَصَدَّى ۚ وَمَا عَلَيْكَ أَنْ لَا يَذْكُرُ

وَأَمَّا مَرْ : جَاءَكَ سَيْعِي ۚ وَهُوَ خَشِيَ

فَانْتَ عَنْهُ تَلْهِي ۚ كَلَّا إِنَّهُ

تَذْكُرُهُ ۚ فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ ۚ فِي صُحُفٍ

مُتَابِعَةٍ

٥٨ مَكْرَمَةٌ مَرْفُوعَةٌ مُطَهَّرَةٌ بَائِدٌ

کرامت برافراشته پاکیزه شده بایستد

سَفَرَةٌ كِرَامٌ بَرَرَةٌ قَتْلُ الْإِنْسَانِ مَا

سفر کرام بربر قتل انسان ما

اَكْفَرُ مِنْ أَيْ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِنْ نُطْفَةٍ

اکفر من ای شیء خلقه من نطفه

خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ شَمَّ السَّبِيلِ كَيْسَرَةٌ ثُمَّ

خلقه فقدره شم السبيل کيسرة ثم

أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ لَهْ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ

اماته فاقبره له ثم اذا شاء انشره

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ

کلا لما يقضي ما امره فلينظر الانسان

إِلَى طَعَامِهِ إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ

إلى طعامه انا صببنا الماء صبا ثم

شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا

شققنا الارض شقا فانبطنا فيها حبا

وَعَبَاؤُكُمْ وَتَرْثُونَا وَنَحْنُ أَوْ خَدَائِقُ

غُلَبًا وَفَالِكَةً وَأَبَا مَتَا عَالِكُ

لَا نَعَامُكُمْ فَازِ اجَاءَ الصَّاحَةِ يَوْمِ

يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ إِخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَنَائِهِ

وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ

مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ

يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ

مَثَلِ الْيَخْنِيعَةِ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

الْمُشْرِقَةِ
الْجَمْعُ لِللَّهِ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ

69

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِجَارُ سُجِّرَتْ

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْءِدَةُ

سُئِلْتُ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُ وَأَزَالُ الْخُفَّ

لُنْشِرَتْ وَازَالِ السَّمَاءُ كُشِطَتْ وَازَالِ الْحَبِيبُ

سُغِرَتْ وَازِلُجَنَّةُ أَنْزِلِفَتْ

عَلِمْتُ نَفْسِي مَا أَحْضَرْتُ فَلَا أُقْسِمُ

بِالْخُسْنِ الْجَوَارِ الْكَسَّ وَاللَّيْلِ إِذَا

عَسَّعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا اتَّقَسَّ إِنَّهُ لَقَوْلُ

رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ

ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ

أَمِينٍ وَمَا صَاحِبُكَ يَهْجُونَ

وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ وَمَا هُوَ

(وَمَا يَقُولُ شَيْطَانٌ رَّجِيمٌ فَايْنِ تَذْهَبُونَ

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ

لَا يَسْتَعِينُ

۴۰
أَنْ يَتَّقِيَهُمْ وَمَا تَشَاءُونَ ۚ لَا أَنْ يَشَاءَ

و تقیم شود و خود را شما بگویند آنکس خود

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝۵۵ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحیم درود بر حق تعالی

إِذِ السَّمَاءُ نَفْطَظَتْ وَإِذِ الْكَوَاكِبُ

و چون آسمان را بگفتند و چون ستارگان را

انْتَشَرَتْ وَإِذِ الْبِحَارُ فُجِّرَتْ وَإِذِ الْقُبُورُ

برآمد و چون دریاها را کلاه نمود و چون قبور را

بُعْثِرَتْ عَلِمْتُ نَفْسٌ مَّا قَدْ مَتَّ

بر اینچه گزید بداند هر نفسی اینچه کرده است

أَخْرَجْتُ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ

ای تو ای کلدانشه تو را کار چه فریفت ترا

بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ

بکار تو بزرگوار آنکس بیاورد تو را

فَعَدُّ لَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ

لیست نماید از تو را در هر چه خواهد نمود

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ وَإِنَّ

عَلَيْكُمْ كَلِمَاتُ فَظَمِينَ هَكَرَ أَمَّا كَاتِبِينَ

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ إِنَّ الْأَثَرِ لَرَافِي

نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي سَجْدٍ يَصْطَلُونَهَا

يَوْمَ الدِّينِ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ

وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ ثُمَّ مَا

أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ يَوْمَ لَا

تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ

لِلَّهِ يَوْمَئِذٍ

يَوْمَ يَدْعِي اللَّهُ لِنَبِيٍّ
 ان اروز رطبار است نيا
 صدر الرحمن الرحيم

وَيُلَاقِيهِمْ فِي الدِّينِ الَّذِينَ إِذْ تَسْأَلُوهُ

سخنه عذاب مكرم وها غرا امانك حون خوليني را بمانند

عَلَى النَّاسِ لِيَسْتَوْفُوا وَارْزَاكَ كَالْوُ

بر ابر تمام بمانند و بر لست و حون

هُمْ أَوْ زَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ إِلَّا يَطْنُ

اين يا بر لست اياي بمانند و لم بمانند گمان بمانند

أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ

اين صا ايان بر اكنه نوند روز

عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

بزرگ ان اروز بر موند افريلگان برودگار جهان

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سَجِينٍ وَ

حق نام برکاران اروز در سجين

مَا أَذْرَكَ مَا سَجِينٌ كِتَابٌ مُمَرَّقٌ

ودر انا و حيت سجين نام

وَيَلُومُهُ لِمَا كَذَّبُوا الَّذِينَ

سخنه عذبت ان روز منكران لعنت را

يَكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَمَا يَكْذِبُ

منكر شوند

بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ إِذْ اتَّشَلَى

بدان مگر هر از حد گذرد

عَلَيْهِ أَيَاتُنَا قَالِ اسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ كَلَّا

برو قرآن كويد بيشهها پيشهها

بَلْ رَأَوْا عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

نه كه ميديده اند بر دلها را اين كه بودند ميكرده اند

كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ مَحْجُوبُونَ

خفا دارند از خداوند

ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي

پس كه اينان را رسيده در روز قضا

كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأُنْزَامِ

بود در كتاب بود و مع

از اينها كه در كتاب است

در روز قضا

در روز قضا

در روز قضا

در روز قضا

در روز قضا

لَعْنَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا آذَرَكَ مَا

عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَدَانِي نُو
عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كِتَابُ مَرْقُومٍ يَشْهَدُ
وَجَبَّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَامُ نَزَّهَتْ
لَسَانُ كِتَابِي فِي بَابِ كَوَامِلِهَا

الْمُقَرَّبُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي
فَوَيْتَاهُ مِنْ تَقْوَانِ
بَدْرُ سَيِّدِ الْبَرِّ الْكَامِلِ

نَعِيمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَرْبَابِ كَيْفَ يَنْظُرُونَ
دَرْجَتِ
مَحَبَّتِهَا بِمَكْرَمَةِ

تَعْرِفُ فِي وَجْهِهِمْ تَضَعُ
لَيْسَ لَيْسَ
دَرْجَتِهَا وَهِيَ الْإِلَاقَةُ

النَّعِيمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْقُونَ مِنْ عَيْنِ حَبِيبِ
نَعِيمِ
بِحُزْنِ الْإِلَاقَةِ

تَحْتَوِي خَتَامَهُ مَسَاكِينُ
مَرْكُومَةُ
مَرْكُومَةُ

ذَلِكَ فَلَيْتَنَا فِسْ الْمُنَا فِسُونَ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَمِنْ رَاجِهِ مِنْ تَسْمِعُهُ عَيْنًا

يَتَّبِعُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ إِنَّ الَّذِي

أَجْرُمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ

أَمَنُوا يَضْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا

بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ وَإِذَا انْقَلَبُوا

إِلَى أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ

لَضَالُّونَ وَمَا أَرْسَلُوا عَلَيْهِمْ

خَافِضِينَ

حَافِظِينَ ۞ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ
کاه بیان پس امروز انانک بگردیدند

۶۳ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۞ عَلَى الْأَعْيُنِ يُنْظَرُ ۞
کفار ان بکنند بر عینها موندند

هَلْ ثَوَابَ الْكُفَّارِ مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞
درست یا دایم ده در ناکردید انانک بکنید مکر کردند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم نام خدا رحمت بزرگه مهربان

إِذَ السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا
چون آسمان بشکافت و فرمان بردار شد بربش را

وَحُقَّتْ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ وَأَلْقَتْ
سزد در آسمان و چون زمین کشیده شود کشید و بیرون افکند

مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ
انچه در زمین بود و خلا شود و فرمان بردار شد بربش را و برون افکند

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ
ای آدمیان که تو بکار بسته

سوز خداوند خوف

كَذَلِكَ خَافِلًا قِيَّهٍ فَأَمَّا مَنْ أُولَى كِتَابَهُ

بهار کردن پسینگی آن فاما هر روز داده شود نام او

بِمِثْلِهِ فَيَسُوفُ يَحَاسِبُ حِسَابًا لَيْسَ بِرَأٍ

او درستی که او پس در نام شمار داده شود شمار پس جان

وَيُقَلِّبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا وَأَمَّا مَنْ

و باز گرداند سر اهل خود شادمان و اما هر روز

أُولَى كِتَابَهُ وَرَأَى ظَهْرَهُ فَيَسُوفُ يَدْعُو

داده شود نام او پس پای او پس رفته باشد بخواند

نُبُورًا وَيُصَلِّي سَعِيرًا إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ

در ملک و نور در آن نور خسته که او بود در اهل خود

مَسْرُورًا إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحْجُوَ رَبِّكَ

شادمان که او گمان برد هرگز باز نکرد در

إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا فَلَا أُفْسِدُ

در خدا را بود بر او بینا پس سوختند باز میکنم

بِالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ

بر خورشید و شب و آنچه در او بود و ماه

۴۴ اِذَا تَسَوَّيْتَ لِرَبِّكَ كُنْ طَبِيقًا

عَنْ طَبَقٍ ۚ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ

لَا يَسْجُدُونَ لِلَّهِ الَّذِي كَفَرُوا

بِهِ كَذِبُونَ ۚ وَاللَّهُ عَليمٌ

بِمَا يُوْعَوْنَ ۚ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ

أَلِيمٌ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۚ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ وَالْيَوْمِ

الْمَوْعُودِ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ النَّارِ

ذَاتِ الْوُفُودِ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا

فُجُورٌ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ

بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ وَمَا يَفْعَلُ

مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ

٤٥
الْحَمِيدِ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

ستوده آنک بروراست بآسمانها

وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

وزمین و خدا بر هر چیزی شاهدست

إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

که آنانکه بسنجند مردمان کونده را و زنان کونده را پس

لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ

از کفایت کنند پس برایشان است بکوار آتش دوزخ و در آن آتش

الْأَلِيمُ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

سخت کونده بدست و آنانکه بکرویدند بکونده نیکیها

لَهُمْ جَنَّاتُ مَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

برایشان است جنتها بر رود از زیران جویها

ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ إِنَّ بِطُغْيَانِكَ

انست آنکه در بزرگی بدست و بزرگی خداست

لَشَدِيدٌ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ وَهُوَ

برایند سخت بدست او ان خداست بآورد دنیا و بیاورد آخرت

الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُ الْعَرْشِ الْمَجِيدُ فَعَالُ

انفرزنده سخت دوستدار سخت برکودار گننده است

لَمَّا بَرَيْدٌ هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

انچه خولده بدوست ایدینو سخن نگار

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ بِلِ الدِّينِ كَفَرُوا

فرعون و قوم صالح نه که دینا کفر دین

فِي تَكْذِيبٍ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ

در دروغ در استند بفرمان و خدا بر ایشان وفور است

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ

در گفته است بیک لوح بزرگترت در لوح محفوظ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا بر بخشننده برسان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ

و سو کند آسمان و ستاره و نه دانای تو چیست طارقه

النَّجْمِ الثَّاقِبِ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا

ستاره روشنی ثابت بر هر نفسی

حافظ

حَافِظُكُمْ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

کاهنیت کوبند ادور از چه او بر خفته است

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ

دخیره کرد از آب جهنده بیرون آمد از میان لیس

وَاللَّزْأُئِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ يَوْمَ الْقِيَامِ

از شکم مادر که او بر بخت او بر آید تو از آب

تُبْلَى السَّهَائِرُ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

پدید کرده سوف نهانها او کی با بر او از قوه و نه باز دارنده

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْجُجُجِ وَالْأَرْضِ ذَاتِ

و گویند آسمان خلوفه باران و گویند برای خداوند

الضُّعِ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ وَمَا هُوَ بِأَهْزِلُ

شکافنده که این قوال در دست و نیست فران باز

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا وَأَكِيدُ كَيْدًا

در این نیرنگ کنند و می کنم این نیرنگ

فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْلُهُمْ رُؤِدًا

پس مهل کافران ده ناکر وید کافران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ

فَسَوَّيَا وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي

أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَ حُتَاةً وَآخُو

سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ

يَعْلَمُ الْغُيُُوبَ وَمَا يُخْفَىٰ إِلَّا فِي سِتْرٍ لِلْيُسْرَىٰ

فَذِكْرٌ لَّكَ إِن نُّفَعَتِ الذِّكْرَىٰ سَيَذَكِّرُ مَنْ لِّجَنَّتِي

وَيُحْثِبُّهَا إِلَّا شَقِيًّا الَّذِي يَصْلِي النَّارَ

الَّذِي لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

وَيَذَرُهَا

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَذَكَّرَ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ

در شنیدن یاد داشت هر روز توبه گفت و یاد کرد نام خدا را

فَصَلَّى بَلْ تَوَثَّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ

بسی نماز کن پس بگرزیدند زندگانی دنیا و آخرت

خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى

بهتر و پاینده تر اینک در این کتب است

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى هَلْ لَيْسَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

در کتب ابراهیم و موسی آیا خداوند مهربان و بخشنده

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ وَجُودُهُ

آیا رسید از تو حدیث غاشیه و وجود او

يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ عَامِلَةٌ نَاصَةٌ تَقْضِي

آن روز خوار و فروزان کننده و قضا کننده

نَافِرًا حَاصِيَةً تَقْشَرُ مِنْ عَيْنِ أَنَسٍ

در پیش روی کرم آید و از چشم آنس

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ

نیست برای آنها غذا مگر از ضریع

لَا يَسْمِنُ وَلَا يُغْنَى مِنْ جُوعٍ وَ

جُوعُهُ يَوْمَهُ نَاعِمَةٌ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ

فِي حَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاحَةٌ

فَتَّاعِينَ جَابِرَةٍ فَتَّاشٍ مَرْفُوعٍ

وَالْوَابُ مَوْضُوعَةٌ وَنَمَارِقُ

مَصْفُوفَةٌ وَزُرِّي مَشْتُوشَةٌ فَافِلَةٌ

يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خَلَقَتْ وَ

إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رَفَعَتْ وَإِلَى الْجِبَالِ

لَقَدْ نَصَبْتُ وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحْتُ
فَذَكَرْنَا أَنْتَ مَذْكُورَةً عَلَيْكَ

وَمَصِطِرِ الْأَمْنِ تَوَلَّى وَكُفَّ فَعَدَدَهُ اللَّهُ خَدَّارِ
الْعَذَابِ الْأَكْرَهَانِ إِلَيْنَا يَا لَهْمُ ثَمَرِ

إِنَّ عَلَيْنَا حَسَالَ لَهْمُ
الْفَخْرِ مَلِكِيهِ تَلْفَعْنِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَخْرُ وَ لِيَالِ عَشْرِ وَ الشَّفْعُ وَالْوَتْرُ

وَاللَّيْلُ إِذَا يَسِرْ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمِ

لَزَعُ حَجَرٍ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

مر خداوند خراش را بر گردن از بیستی حلقه عقیق است که در خداوند

بَعَادِ أَرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ

میکرد و عمارت او ارم بنامها را بلند آنک را فرستاد

مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ وَتَسُودُ الَّذِينَ جَا

مانند ایشان در شهرها و قوم صالح آنانک سواران

بِوَالصَّخْرِ يَا الْوَادِ وَفِرْعَوْنَ ذِي

قوم را را وادریست قور و فرعون خداوند

الْأَوْتَادِ الَّذِينَ طَفَوْا فِي الْبِلَادِ

معمورین آنانک عاصی شدند در شهرها

فَاكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ

بسیار کردند و در زمین فساد بسیار کرد پس فرستاد بر ایشان خداوند

سَوَاطِعَ عَذَابٍ إِنَّ رَبَّكَ بِالْمَرْحَمَةِ

سخت عذاب را فرستاد بر ایشان خداوند

قَامًا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ

پای ایستاده است خلقت خداوند از مسوره کند او را خداوند

خاکمه

الاولاد

فَالرَّمَهُ وَنَعْمَهُ فَيَقُولُ رَبِّیْ اَلْوَمَلَا

سراور کرد اورا و نعمت دید اورا پس گوید خدایا تو مرا کردی مرا

اَمَّا اِذَا مَا ابْتَلٰهُ فَقَدِ عَلٰی رِجْلِهِ

اورا اما چون بسیار امتحان او را پس تنگ کرد تو روز او

فَيَقُولُ رَبِّیْ اِهَآنِنِ كَلَامًا بَلْ لَا تُكْرِمُوْنِ

پس گوید خدایا تنگ کن خوار کرد مرا خفا نیک کردی مرا بد گفتی

اَلِیْسَ لَکُمْ وَاٰتِخَاصُوْنِ عَلٰی طَعَامِ الْمَلَکِیْنِ

آیا بد را آنرا و نه بر تو و مخصوصان تو طعام دادن ملکین

وَتَاکُلُوْنَ التَّرَاثِیْ اَکَلًا لَّمَّا وَتَحْبُوْنَ

و تو خوردن میراث را خوردن بسیار و دوست داشتن

اَلْمَالِ حُبًا جَمًّا کَلَّا اِذَا دُلَّتْ اِلَیَّ اَرْضِیْ

خود را دوست داشتن و مال را حبشی خفا چون حبابه شود زمین

حَکَادَ کَا وَّجَاءَ رَبُّکَ وَالْمَلٰٓئِکَ صَفًّا

حبابه بنید و رسید و آمد فرمان خداوندی و فرشتگان صف صف

وَجِیءَ یَوْمَئِذٍ بِحَمَلٍ یُّوْمَئِذٍ یُّنَادِیْ

آورده شود آن روز و ندا دهد آن روز

الْأَنسَانُ وَإِلَىٰ اللَّهِ الذِّكْرُ يَاقُولُونَ

کافر و از کجایا باشد که بود کند بند کوبد کافر

لَسْتُ بِمَوْلَاكُمْ فَجَاءَ بِكُمْ عَلَىٰ الْغَدِ

کاش که منم کار بند که بر آید از زندگان پس امروز

عَذَابُهُ أَحَدٌ وَأَلَّا يُوَفَّىٰ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

خون خوار که دور شد و غل نکند و چون میرد و غل خوار

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ

ای نفس از منده بگفتار خوار باز آرد سوی خوار

رَاضِيَةً مُّخِضَّةً فَإَدْخُلِي فِي عِبَادِي

خستیده بفرود پس در ای در میان بندگان

وَادْخُلِي جَنَّتِي

و در ای در بهشت من

لَسْتُ بِمَوْلَاكُمْ فَجَاءَ بِكُمْ عَلَىٰ الْغَدِ

کاش که منم کار بند که بر آید از زندگان پس امروز

عَذَابُهُ أَحَدٌ وَأَلَّا يُوَفَّىٰ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

خون خوار که دور شد و غل نکند و چون میرد و غل خوار

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ

ای نفس از منده بگفتار خوار باز آرد سوی خوار

يَهْدِي اللَّهُ وَالِدَ وَ مَا وَلَكَ فَقَدْ

بدین شهر و گویند بایم و فرزند این او بدستیکم

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ حَسْبُ الْإِنْسَانِ

افزیدیم او را در مشقت و بیخ ای نندارد که برکت

تَقْدِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ يَقُولُ الْهَلْكَهَ مَا لَالِدَ

توانا نشود بر او افزید کار او گوید هلاک کردیم در دنیا

أَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ أَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِشِينَ

آقای نندارد که ندید و خدایا او را که و نه افزودیم با او و عیش

وَلَسَانًا وَ شَفَقْتَ وَ هَدَيْتَ الْخَدَيْنِ

و زبان گویند و دو زبان و نسا کرد آیدیم ما

فَلَا تَحْمِلْ الْعَقَبَةَ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

پس نندارسته عقیبه و نه دانی تو حسرت عقیبه

فَدَرْ رَقْمَةٍ أَوْ طَعَامٍ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَةٍ

ازاد کردن بنده یا طعام و هفت در آن روز خداوند کریم

مَتَا ذَا مَقَرَّةٍ أَوْ مَسْكِنًا ذَا مَتَرَةٍ

یا بند را که خوشی باشد یا در دشت بر خاک حسرت

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَصَّوْا
پس بود اوانانگ بگردیدند و یکدیگر وصیت کردند

بِالصَّخْرِ وَتَوَصَّوْا بِالْمُرْجَةِ أُولَئِكَ
صخر کردند و یکدیگر وصیت بر مرجه آنجا نمودند

أَصْحَابُ الْمُنْمِنَةِ وَاللَّهُ يَكْفُرُ وَأَبَا بَقَاءَ
خداوند سوره نبت راست و انانگ نکرودند محمد و آل

أَصْحَابُ الْمَشَامَةِ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّوَصَّاةٌ
خداوندان سوره دست چپ بر ایشان آتشی طهری درشته

سُورَةُ الشَّمْسِ مَكِّيَّةٌ خَمْسٌ عَشْرُ آيَاتٍ
سوره الشمس مکیه خمس عشر آیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بسم الله الرحمن الرحيم

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا
و سوکنند بار و میسند و شام و کرمان و سوکنند ماه خون سیاه

وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا وَاللَّيْلُ إِذَا غَشَّهَا
و روز خون روی لغد و نیار و شب خون پوشان

وَالسَّمَاءَ وَمَا بَيْنَهُمَا وَالْأَرْضَ وَمَا طَحَاها

و سوكند آسمان و اناست به دراز و اناست به دراز و اناست به دراز

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا

و بتی و اناست به دراز و اناست به دراز و اناست به دراز

وَتَقْوَاهَا فَاخْلَعْ مِنْ ذِكْرِهَا وَفِي

خَاتَمٍ مِنْ أَدْسِهَا كَذِبٌ تَمُودٌ يَطْعُو

نومیدند هر که فرود گذاشت انرا در خاتمه خود

إِذَا سَعَتْ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ

چون سزاخند از زمین بدشت ترینی گفت مرا سزا

نَاقِلًا لِلَّهِ وَسَقَاهَا فَلْيَبْوَءَ عَقْرُوهَا

بر بزند از اشتر خدار و بکشد بدان حوزان اشتر و بدو خازن و بکشد

فَمَلَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِبَعْضِ سَوَاءِ

لی فرود ارد عفویت بر ایشان خدایان گناه شان لی را بر گردان

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

و اناست به دراز و اناست به دراز و اناست به دراز

و اناست به دراز و اناست به دراز و اناست به دراز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَاللَّهُ أَذْا

يَغْشَى وَاللَّهُ إِذَا تَحَلَّى وَمَا خَلَقَ الذِّكْرَ

وَالْأَنْثَى إِنْ سَعَيْكُمْ لَشَيْءٌ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى

وَأَتَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ

لِلْيُسْرَى وَأَمَّا مَنْ خَلَّ وَاسْتَعَى

وَكَلَّ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ

لِلْعُسْرَى وَمَا يُغْنِي عَنْهُ

فَتَسِيرُ إِلَى الْحَسْرَةِ وَمَا يُغْنِي

بس میا کرد اتم او را بدشواری و دفع نمیکند

عَنْهُ مَالَهُ إِذَا تَرَدَّى نَارًا

رز و عذاب را مال و چون میرد بد رستی

عَلَيْنَا لِلْهَدَىٰ وَنَارَ لَنَا الْآخِرَةِ

که بر ماست بیان کردن حق و باطل و بد رستی که ما راست انصاف عقبر

وَالْهَوَىٰ فَإِنَّ تَرْتِكُمْ نَارًا

و سرای پشیم بس پیم نمیکند شمارا بآتش

تَلْخَىٰ لَا يَصْلِقُ إِلَّا الْأَشَقَىٰ لِلَّهِ

که زبان زند نیاید درو مکر بد بخت تر کسی که

كَذِبَ وَتَوَلَّىٰ وَسَيَجْنِبُهَا الْآتِقَىٰ

نکذ بپ کرد و روی برگردانید و زد و بود که دور کرده شود از آن آتش پر

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ وَمَا لِحَدِّ

آنکه میدهد مال خود را بپسندید و آن باکی و نبود به کسی

عند الموت نعمة تجزي

نزد یک ابو بکر از منتهی که مکافات کرده شود لیکن این کار کرد

ابتغاه وجهه ربه الأعلى وأسوف

برای طلب رضا بروردگار خود که بزرگتر است و درود باشد

بِرَحْمَةِ سَوْرَةِ الضَّحَى عَشْرَةَ آيَةً

که هشتاد و دو کرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضَّحَى وَاللَّيْلُ إِسْحَى مَا

سو کند به جلالتگاه سو کند شب انگاه که تاریک گردد و

وَدَعَاكَ رَبُّكَ وَمَا قُلْ وَلَكِ

آنکه شهادت ترا برورد دگارت و دشمن نکرده است و سرای

آخِرَةٌ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى وَلَسَوْفَ

دیگر بهتر است بر ترا از کرامت نخستین و درود باشد

يَحْطُبْكَ رَبُّكَ فَتَرْخُ الْم
عطا دهد ترا آفرید کار تو بس تو خوشنودستوی ایا

يَحْيِيكَ يَتِمَّا فَأَوَّكْ وَوَحْدَكَ
نیافت برورد کار تو ترا یتیم بس جای داد ترا و نیافت خدای تو

ضَلًّا فَهَدَى وَوَحْدَكَ عَائِلًا
راه گم کرده بس راه نمود ترا و نیافت خدای تو عیالدار

فَاعْنَفْ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
بس تو نمکن سخت ترا بس اما یتیم را قهر مکن

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا
واما سایل را بکن مزن واما

بِسْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ سُوْرَةُ الْمَنْشُورِ
بسمت برورد کار خود حدیث کنی جس آیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَشْخُ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا

ایک شانه نهاده ایم برای تو سینه ترا و بزرگتر فتم

عَنْكَ وَزَرَكَ: الَّذِي أَنْقَضَ

از تو بارگرا ترا آن باری که گران خست

ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

پشت ترا و بزرگتر فتم برای اظهار قدرت تو ذکر ترا

فَاتَّ مَعَ الْعَسْرِ بِرَاتٍ مَعِ

پس بدرستی که دشواری در دنیا آسانی است بدرستی بادشوار را در عقبی که در کمال است

الْعُسْرِ بِرَاتٍ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

آسانی بود در مدینه پس چون فارغ شوی از تبلیغ رسالت پس ایست کن

وَالْيَ رَجْعَكَ فَارْعَبْ مَسْوَرَةَ التَّيْنِ ثَمَانِ

و بیدار گرد کار تو را و رعبت کن با هم وقت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والتين والزيتون وطور
سوکند با بجنیز وزیتون و سوکند دبطور

سینیت وهذا البلد الامين
سینیا و قسم بدین شهر امان دهنده یعنی مکہ

لقد خلقنا الانسان في احسن
بدستی که آفریدیم ما آدمی را در نیکوتر

تقويم ثم رددناه اسفل
نکا بهداشتن پس باز کرد ایمیدیم او را بنیرترین بهم

سافلیت الا الذین آمنوا و
نیغی عالم طبیعت مکرانکد ایمان آوردند و

عملوا الصالحات فلم احبر
کردند عملها سوده پس مرا ایشانرا استزدی

غير محنوت فما یلک بعد بالک
بیرمیره پس چه میسر ترا برکذیب میدارد پس از طوطا
دلیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ایمانیت خدا حکم کننده ترین حکمان

سورة ابراهيم و هی ثمان عشر آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ
بخوان قرآن را بنام پروردگار خود انخدای که بیا فرید اسم صبرا

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ طه
بیا فرید آدمیان را از خونها بسته بخوان و

رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ
پروردگار تو بزرگتر است انخدای که پیاموزانید نوشتن تعلیم

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
بیا موخت خدا آدمیان را آنچه نمیدانست

كَلَامَاتِ الْاِنْسَانِ لَطَعِي

حق که آدمی یعنی ابو جهل از حدی برزد

اَنْ رَاَهُ اسْتَحْيَا اَنْ اِلَى رَجُلٍ

آنکه می بیند خود را بی نیاز بدستی که بیوتی آزدید گارشت

الرَّجْعِي : اَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى عَبْدًا

بازگشت همه ایامی مانی توانرا که باز میدارد بنده کامل را که محمد است

اِذَا صَلَّاهُ : اَرَأَيْتَ اِنْكَسَاتِ

وقتی که نماز میکند ایامی بیستی اگر باشد خدینده

عَلَى الْمَدِي : اَوْ اَمْرًا لِّتَقْوِي

بزرگ راه راست یا میفرماید خلق به پیر بینز کاری

رَأَيْتَ اِنْكَذِبَ وَتَوَلَّى : اَلَمْ

ایان می اگر تکذیب کند ابو جهل و روی بگرداند

اَمْ هَذَا : اَلَمْ يَكُنْ اَنْزَلَ اَنْزِلَ

این خداوند است یا نه او را حق که اینست

بَيِّنَتْهُ لَسْتَقْعَابًا لِلنَّاصِيَةِ النَّاصِيَةِ

از ایندای محمد بکیریم اور ابو ی پشانی

كَاذِبَةٌ خَاطِئَةٌ قَلِيلٌ

درد عکوی خط کار کونخوان ابو صهل

نَادِيَّةٌ سَدُّعُ الزَّبَانِيَةِ كَلَامٌ

حقا که

محبس خود را نود و یک سده که نخوانم زبانیه را

لَا تَطْعَمُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ

فرمان مبراورا و سجد کن بردارم خدا را و نزدیک شو محض

سُورَةُ الْقَدَرِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الیه

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ وَمَا

بدستی که ما فرستادیم قرآن را در شب قدر

أَدْرَاكَ مَا تِلْكَ الْوَيْلَةُ لَكُمُ الْوَيْلَةُ

و ایستادگی که چیست شب قدر

الْقَدْرُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَعِيرٍ ^ط تَنْزِلُ

شب بهتر است از هزار ماه ^ط فرود آید

أَمَلَا نَكَّةً وَالرَّوْحَ فِيهَا بَازِنٌ

فریشتگان ^ط و جبرئیل درین شب بفرمان

رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ ^ط هِیْ

فریدگاران ایشان از هر کاری بزرگ سلامت است ^ط شب قدر

حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ^ط مَوْزَعٌ لَمْ يَكُنْ سَبْعَ آيَةٍ

تا دمیدن سقیده دم صبح است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ^ط

لَمْ يَكُنِ النَّبِيُّ كَفَرًا وَامِنٌ

نبودند انانک ^ط گاه شدند از

أَهْلُ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ

اهل تورات ^ط و از مشرکان عرب

مَنْ كُنْتَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّيِّئَةُ

باز استادگان از کفر تا آنگاه که بر ایشان آید محبت روشن

رَسُولُ اللَّهِ تَلَوْا صَفَا طَهَرَهُ

فرستاده از خدا میخواند از صحیفها پاکیزه

فِيهَا كُتِبَ قِصَّةٌ وَمَا تَفَرَّقَ

در آن صحیفها نوشتهها راست و درست و متفرق نشدند در

الذِّنِّ أَوْ تَوَالِ الْكِتَابِ

انگشت داده شده اند این کتاب را

مَنْ يَعْلَمَ مَا جَاءَ فِيهِ السَّيِّئَةُ

از پس آنکه آمد بدیشان

وَمَا أَمَرُوا إِلَّا ليعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

و امر کرده نشدند مگر آنکه پرستش کنند خدا را پاک کنندگان

لِلدِّينِ حَقَّاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

بر خدا گشتن خود را میل کنندگان و بکند از نماز مقرر شده را

وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَرَدُّ لَكُمُ الدِّينِ

و بدیند زکوة و اعبیه را و ایله مامور شدند ملت

الْقَمَّةَ مَاتَ الْزَيْتُ لَفْزُ لَمْتُ

درشت است بد رستی انانک کافر شدند از

أَهْلَ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي

اهل کتاب و از مشرکان

بَارِحَاهُمْ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ

آنست دوزخ باشند جا ویدان دران آن گروه

هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ مَاتَ الْزَيْتُ

ایست ننگ بدترین عالمانند بد رستی انانک

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ

بگرویدند و بکردند عملها نیک آن گروه

هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُ وَهُمْ

ایست ننگ بهترین از همه آفریدگان پاداش ایشان

عَنْهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرِي

از دریاچه‌ها و دریاچه‌ها از آب و دریاچه‌ها از آب و دریاچه‌ها از آب

مِنْهَا خَرَجَ الْآبُ حَارًّا خَالِدِينَ

از زیرشان آن آبها را می‌نهند

فِيهَا آيَاتٌ لِّرَبِّهِمْ وَرِزْقًا

در آن همیشه حشود و رزق از ایشان و رزق از ایشان

عَنْهُ طَرَاكَ خَشْيَ رَبِّهِ

از خدا آنچه مذکور شد برای آنکه می‌ترسند از عفو و عفو

سورة الزلزلة ثمان آية بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

چون زمین زلزله شود زمین را

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

و زمین از بارها که بر آن خورده

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ

وگوید آدمی چیست زمین را امروز

خُلِّدَتْ أَخْبَارُهَا بَنَاتُ رَبِّكَ

سخن گوید خبرهای خود را بنیب کنه برورد و گزیند

أَوْحَىٰ لَهَا يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّارُ

امر کرد مرورا امروز باز کردند مردمان

أَنْشَتَاتَا لِرُّوَا أَعْمَالُهُنَّ مَمْنُ

بر آنگذگان ماداده شوند چرا کردارهای خود بس مکه

لَعْمَلٍ مُّثْقَلٍ ذَرَّةً خَيْرًا يَّرَىٰ

عمل کند هم سنگ مویجه خود بهتر بادایش انرا

وَمِمَّنْ يَعْمَلُ مُثْقَلٍ ذَرَّةً شَرًّا يَّرَىٰ

و از مکه بند بوزن غله بدی بیاید

سورة العاديات عشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَّاتِ ضَحَا: فَأُمُورَاتِ

سوکنند بجهان دونه نفس دنی بس بیرون از مکان

قَلَحَا: فَأُمُغِيرَاتِ صَحَا: فَانَرُ

آتش دنی بس سوکنند بغارت کندگان در وقت صبح بس برآیند خشت

بِهِ نَفْعًا: قَوْسَطٍ بِهِ

بوقت سپیده دم عباری بس عیان در آمدن بدان وقت کردی را

جَمْعًا: إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ

درستی که آتی هر روز و گاه خود را

لَكَنُودٌ: وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَنَهِيدٌ

نا سبها سلی است و بدرستی که خدای بران هر اینده کواه است

وَإِنَّهُ لَخَبِيرُ الْغَيْبِ: أَفَلَا

و بدرستی که ایشان برای دوستی مان سخت است

تَعْلَمُ إِذَا انْعَثَرَ مَا فِي الْقُتُورِ وَ

مغنیانسان چون طاهر گردد ایمنه در گورنماست و

حَصَلَ مَا فِي الصُّدُورِ مَا تَزَكَّى

حاصل کرده شود در بطنه در سینه است بدستی که آونیدگار ایشان

بِهِمْ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ سُوْرَةُ الْقَارِعَةِ

عشر ایه

انروز داناست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَزْكَى

روز کوبنده چیست کوبنده وجه چیزدانا کرد ایند ترا

مَا الْقَارِعَةُ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ

چیت کوبنده روزی که باشند مردمان

كَأَنفَرَاتٍ أَمْ تَنْتَوِيحُونَ وَتَكُونُ

مانند بر دانه بر آئند و گردود

الْحَيَاكِلَ اعْقَبِ الْمُنْقُوشِ

سوقها مانند چشم زبین زرد شده بکمان مذاقی

فَأَمَامَتِ ثَقُلْتُ مَوَازِينَهُ فَهُوَ

پس اما در آن روز گران باشد ترازوی علای بر او

فِي عَشَّةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَامَتِ

در زندگانی باشد بسندیده و اما آنکه

خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأَمَّةٌ هَاوِيَةٌ

سبک بود ترازوی علای بر جای او هادویه است

وَمَا أَذْرِيكَ مَا هِيَ نَارُ حَائِيَةٍ

و چه دانی تو چیست هادویه آتش نهایت سیر

سُورَةُ التَّكْوِيْنِ ثَمَانِ آيَةٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَلِكِ الْكَافِرِ حَتَّى زُرِمَ

مستقر کرد شما فخر کردن بر سر قوم تا حدی که آمدید

الْمَلِكِ كُلِّ سَوْفَ تَعْلَمُونَ

بکورتان زود باشد که بدانید

ثُمَّ كُلِّ اسَوْفَ تَعْلَمُونَ كُلًّا

پس حق که زود بدانید نه خفاست

لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

اگر بدانید دانش درست بیکمان

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا

نخواهید دید دوزخ را پس هر آینه نخواهید دید

عَذَابَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ

عذاب یقین پس هر آینه پرسیده شوید

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

آن نعمتهای

سورۃ العصر ثلث ایه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفٍ

سوکند بخدا روزگار بد رستی که آریان هر آینه در

خَيْرٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

نیکان اند مگر آنکس کردیده اند و کرده اند

الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ

کردارهای نیک و وصیت کرده اند یکدیگر را به حق است

وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ

و وصیت کرده اند به صبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَبِذَلِكَ كُلُّ نَفْسٍ مَّنْزُورٌ

و در حق هر نفس گشته و گشته است گشته است

جَمَعَ مَا لَمْ يَكُنْ يَحْسِبُ أَنْ
 گرد آورد مال را / و شمر و آنرا / می پندارد آنکه

مَالَهُ أَخْلَدَ كُلَّ لَيْلَةٍ
 مال جمع کرده او را خوابید / نه چنانست هر آینه انداخته شود

فِي الْخَطْمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ
 در خطمه / و چه دانا کرد ترا / خواهد ساخت در دنیا

مَالِ الْخَطْمَةِ نَارُ اللَّهِ اطْوَقَهُ
 سرچیت خطمه / آتشی که خدا بر او زوخته شده

الَّتِي تَطْلُعُ عَلَى الْأُفُقِ بَاهَا
 آتشی که بر آید / بر دلهای / برستی که آن آتش

عَلَيْهِمْ مَوْصَدَةٌ فِي عَمَلِكُمْ
 بر ایشان / فرو بسته شده / بستنهای دراز

سورة الفيل مكية وهي خمس آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْم تَرَكْتَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ

اینها را که چگونه کرد برود و گمراه تو بخداوندان

الْفَيْكِ الْم تَجْعَلُ كَدَّهُمْ فِي

بیت ای ساخت کمرایشان را در

تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلْ عَلَيْهِمْ حَاطِرًا أَلْبَسَ

بنای دفرستاد برایشان مغان

بِكَ تَرْمِيهِمْ بِخِجَارٍ مِنْ سِجِّيلٍ

سرو و تیره می افکندند آن سنگ را بسنگی از سنگ کل

فَعَلَهُمْ كَعْصَفٍ مَالُوكٍ

پس ساخت ایشان را چون برک ط گاه حوزده شده

سورة القريش خمس آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَيُّهَا الْفَقِيرُ

ایا ویرگی تو انکس رکعت کذیب میکنند بیوستن ایشان در سفر
برای بیوستن قریش میکنند

الْمَشْتَا وَالصَّيْفَ فَلْيَعْبُدُوا

زمستان و تابستان پس بایستد پرستش کنید

رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ

رب این بیت مدونه آنکه طعام داد ایشان را

مِنْ جُوعٍ وَأَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

از گرسنگی و ایمن گردانید ایشان را از ترس

سُورَةُ الْمَاعُونِ ثَمَانِ آيَاتٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ارأيت الذي يكذب بالدين
ایا دیدی کسی را که بکذیب میکند بر دین خود

فذلک الذي يدع الیتیم
ایا دیدی کسی است که بغفلت دفع میکند و میراند یتیم

ولا تحض علی طعام المسکین
و نه تحض نمیکند بر طعام دادن مسکین

فولک المصلات الذین هم
اینهاست عذاب برای نادانندگان ریائی آنهاست این

عن صلواتهم ساهوت الذین
از نماز خود پیغمبر اندازند آنهاست

هم یراوت و تمنعوت اما
ایشان زیاده میکنند در کردار و باز سیدارند مال

سورة الکوش ثلث آیه عوت

مَا أَعْبَدُ وَلَا آتَا عَابِدٌ مَا

که من می پرستم و نیستم من پرستنده در حال آنچه شما

عَبَدْتُمْ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

می پرستید و نباشید شما پرستندگان

مَا أَعْبَدُ لَكُمْ دِينَكُمْ

آنرا که من پرستش میکنم دین شما را که پرستش شما

وَلَدِينُ سُوْرَةُ النُّصُرِ ثَلَاثُ آيَةٍ

و در این من

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا حَارَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ

چون بیاید یاری کردن خدا و فتح کند

رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي

بینی تو مردمان را که در می آیند

دُنَيْتُ اللّٰهَ اَفْوَا حَا . فَسَّحْ مُحَمَّد

دین خدا سگروه کرده | بس شتر پیمن بسایش

رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ . اِنَّهٗ كَانَ

سرور دگر خود و ارزش طلب اورا بدستی که او است

سُورَةُ تَبَّتْ حَمْرُ آيَةٍ . تَوَّانَا

قبول کننده توبه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تَبَّتْ يَدَا ابِي هَبْ . وَتَبَّ مَا

ملاک با دهر دوست ابی طب و هراک شد دفع

اَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

کنند از و خواسته او و آنچه کرده

سَيَصْلَى نَارًا اَذَاتْ هَبْ وَامْرَاةٌ

زود باشد که در آید باستی باز بانه و زن او

حَمْدُ الْعَلِيِّ فِي جَيْدِهَا جَدِّ

پروانه در دانه ایتم در کردن او رس

مَنْ مَسَّ سِدْرَةَ سَوْدَةَ الْأَخْضَرِ

از سید طاهر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ

بگو ای محمد اوست خدا یکی است اخذ ای که بی نیاز

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

نژاد کسی را و زاده نشد از کسی و نیست

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ سَوْدَةَ خُصْرٍ

مردی همما همعکس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِثْ

بگو بنده می گیرم بیا فریدگار صبح روز

شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِثْ شَرِّ غَاسِقٍ

بدی آنچه آفریده است و بدی شب تاریک

ذَا وَقَبٍ وَمِثْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ

چون در آید ظلمت او و بدی سحر و منندگان

فِي الْحُقَدِ وَمِثْ شَرِّ حَاسِدٍ

در کینه های و بدی حاسد

اِذَا حَسَدَ سُوْرَةُ النَّاسِ مِثْ آيَةٍ

چون ظالم کند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكٍ

بگو بنده می گیرم به پروردگار آدینان

النَّاسُ إِلَهُ النَّاسِ هُمُ

آدمیان معبود انسان

شَرُّ الْوَسْوَاسِ الْخَفِيِّ لِلنَّاسِ الْغِيَّةُ

شر و سوء کننده نهان شونده انمسی

يُوسُوفُ فِي صَدْرِ النَّاسِ

یوسف میکند در سینه‌های مردمان

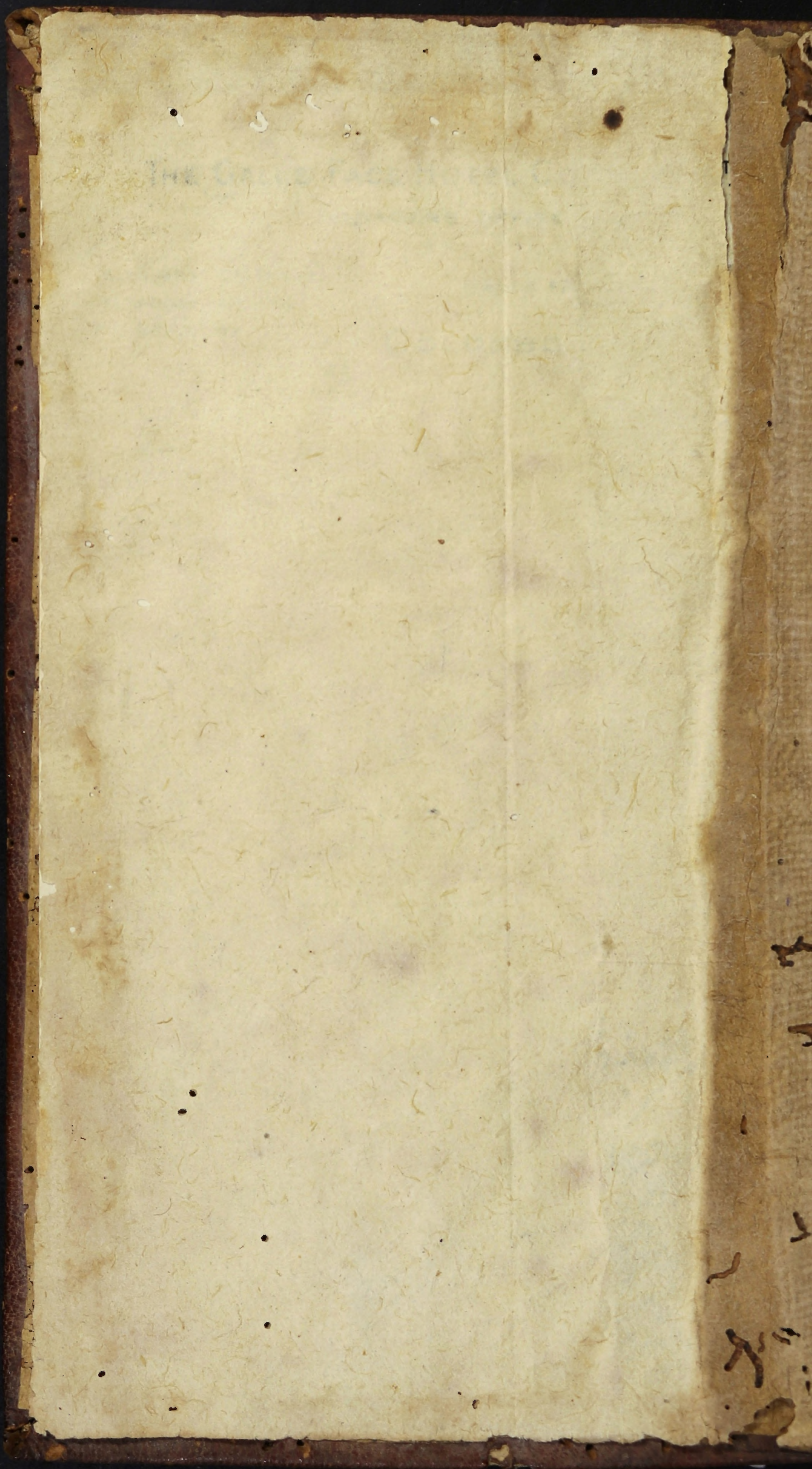
مِنْ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ

از جنیان و آدمیان

تَارِيخُ نَهْمَ مَاهِ ذِي النُّجْدَةِ يَوْمَ الْاَحَدِ

سید خاتمای محرران فقیر کسیر

[The End.]



THIS MANUSCRIPT

was presented to me by Mr. WLADIMIR IVANOW, of the Asiatic Society of Bengal, Calcutta, India.

He is, perhaps, the best informed authority on Persian and Arabic MSS. in the Orient, and has lived ~~in Persia~~ in Persia and the Far East many years. Before the Great War he had charge of Persian, Arabic and Turkish MSS. - many of which he had himself collected - in the Imperial Library at St. Petersburg. His Catalogue Raisonné of the MSS in the A.S.B. Library is an authority on the subject of Perso-Arabic literature.

The present manuscript was originally written about 1487, A.D. in Arabic, and later interlineated with a translation in (redletter) Persian. The text is excerpts from the Koran. The scribe also added some crude floral ornaments in red.

A portion of the work (towards the end, as we view it, at the beginning) is by a different and more modern (ca. 1550 A.D.) hand.

It was probably the latter writer who, with a not uncommon desire to 'rejuvenate' the MS., obliterated the original date, which Mr. IVANOW places not later than the end of the 15th century.

Probably the 'morocco' binding dates from the time of the second scribe.

Colombo, CEYLON, Decr. 10, 1926

Casey A. Wood

(Dr. Casey Wood.)

Arabic & Persian MSS. are foliated (2 pages to a number) and not paged, as in English.

505K
12⁵⁰

72

